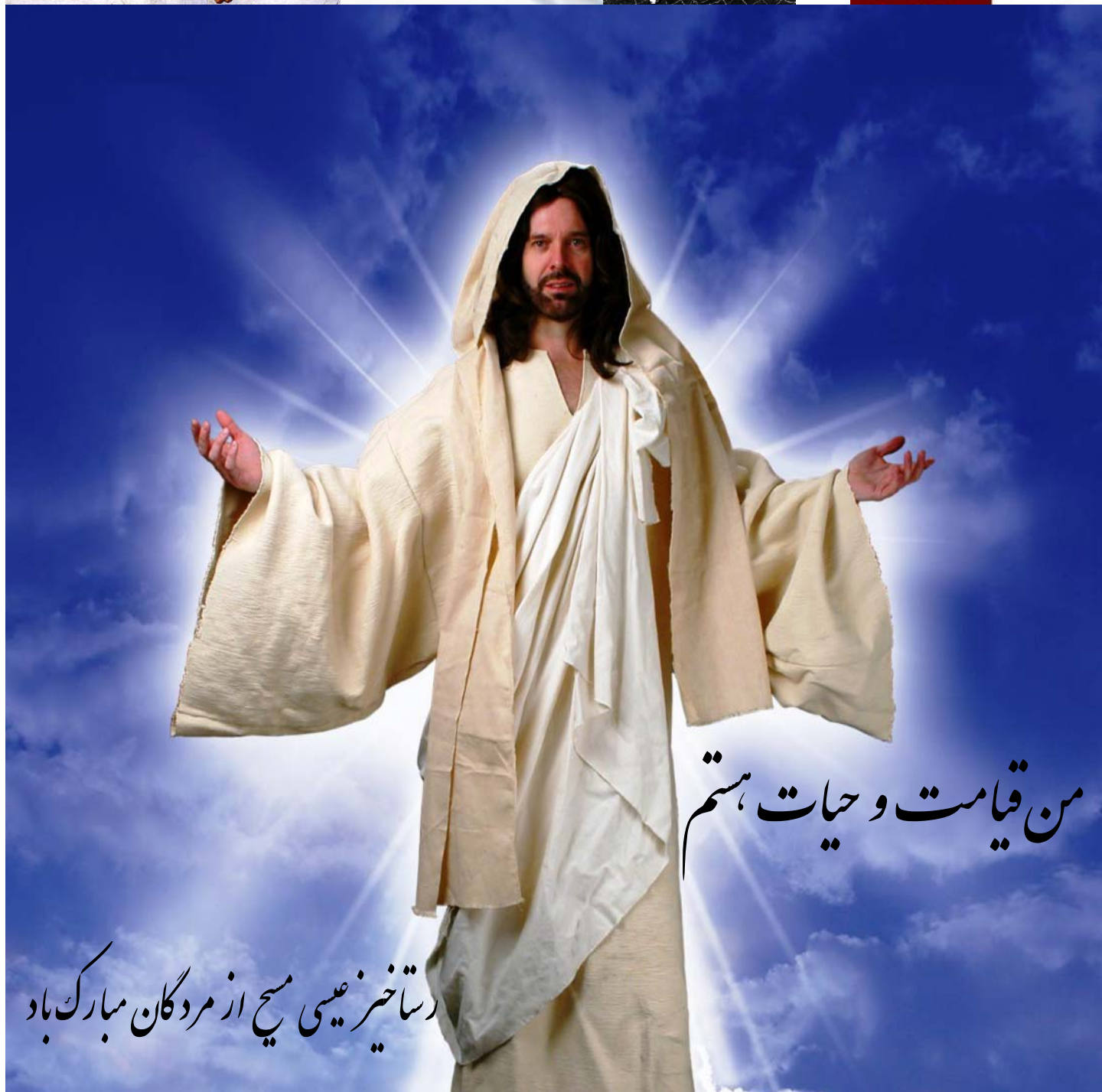




ماهنامه تبدیل را می توانید بر روی آدرس اینترنتی www.SimaMasih.com و www.TabdilMagazine.blogfa.com مطالعه نمایید. همچنین می توانید نظرات خود را برای ما بفرستید: Tabdil@IRANforCHRIST.com



زندان‌های ایران در تسخیر جوانان

بیش از نصف جمعیت زندانیان ایران زیر ۳۰ سال هستند. چند سال پیش که زندان‌های ایران با تراکم جمعیت بیش از حد مواجه شد، ۲ راهکار پیش روی مسئولان سازمان زندان‌ها قرار گرفت: افزایش ظرفیت زندانها یا کاهش تعداد زندانیان. قوه قضاییه دومین گزینه را انتخاب کرد. لایحه مجازات‌های جایگزین با چنین هدفی به مجلس ارائه شده است. محمدی، معاون قضایی سازمان زندان‌ها در این خصوص می‌گوید: با اقدامات صورت گرفته از سوی قوه قضاییه، در سال‌های اخیر رشد زندانیان در کشور منفی شده است اما هنوز این وضعیت مطلوب نیست. او با اشاره به آمار ۹۷/۳ درصدی زندانیان در کشور تأکید می‌کند: بیش از ۶۰ درصد از زندانیان جوان کشور دارای مدرک ابتدایی و سیکل هستند، این در حالی است که در مقاطع بالاتر تحصیلی، تعداد جوانان زندانی بسیار ناچیز است. از این رو افزایش سطح سواد جوانان، عامل بازدارنده وقوع بزه در جامعه محسوب می‌شود. سهم جوانان از جمعیت زندان رده شده افزایش است. حدود نیمی از ورودی‌ها به زندان در سالهای اخیر رده سنی بین ۱۵ تا ۲۹ سال که جوان محسوب می‌شوند تشکیل می‌دهد. حدود ۵ تا ۷ درصد این ورودی را زنان و دختران و بقیه را مردان تشکیل می‌دهند و در میان جمعیت جوان ورودی به زندانها، بیشترین فراوانی سنی مربوط به سن ۲۹ تا ۲۷ سال است. هم‌اکنون حدود ۱۶۲ هزار نفر به دلیل ارتکاب جرایم مختلف در زندان‌های کشور به سر می‌برند. بر اساس قوانین موجود در سیاست کیفری، قانونگذار برای ۱۶۰۰ مورد عنوان مجرمانه مجازات حبس تعیین کرده و به طور کلی باید گفت کمتر عنوان مجرمانه‌ای در کشور وجود دارد که حبس برای آن در نظر گرفته نشده باشد. ۲۲ درصد جمعیت ورودی زندان‌های کشور را جوانان تشکیل می‌دهند به طوری که سالانه ۳۳ تا ۳۴ هزار جوان در گروه سنی ۱۹ تا ۲۵ سال زندانی می‌شوند. جرایمی همچون نزاع‌های دسته جمعی، فرار از خانه، اعتیاد، خودکشی، خانه‌های فساد و فحشا و پدیده مردان خیابانی، در میان جوانان شیوع بیشتری یافته است. بیش از ۱۵ درصد زندانیان کشور، سواد خواندن و نوشتن ندارند. ۳۵ درصد نیز فقط تا مقطع ابتدایی تحصیل کرده‌اند. در واقع پای ۷۲ درصد از جمعیت زندانی‌ها، هرگز به دبیرستان باز نشده است. ۳۰ درصد زندانیان شغل آزاد، ۱۸ درصد کارگر ساده، ۷ درصد بیکار، ۷ درصد کشاورز و ۸ درصد راننده هستند. از جمعیت ۱۶۲ هزار نفری زندانیان کشور، بیش از ۶۰ هزار نفر را زنان تشکیل می‌دهند. گروه‌های سنی جوان در سال‌های اخیر، در مقابل جرایم اجتماعی، از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند. متوسط وقوع جرایمی همچون تجارت و مصرف موادمخدر، نزاع و سرقت در سال‌های اخیر به صورت مستمر کاهش یافته است.

یکی از اساسی‌ترین عقاید مسیحیت را آموزه فدیه، یعنی نجات بشریت به وسیله مرگ عیسی مسیح تشکیل میدهد. کتابمقدس میگوید که آدم گناه کرد و بوسیله او گناه و مرگ وارد زندگی بشری شد و بشر در حالت قهر با خدا قرار گرفت و از آنجا که خدا بندگانش را دوست داشت یگانه فرزند خود مسیح که همذات با خدا بود را فرستاد تا در میان بشر زندگی کند و سپس مصلوب شود تا خود را فدای گناهان بشریت بگرداند و بعد از مرگ مسیح حالت دوستی بین خدا و بشر حاصل شد و هر کس که به مسیح ایمان آورد گناهانش بخشیده میشود.

با تشکر از کمپانی Ridgeline Express INC. که با حمایت مالی خود ما را در چاپ ماهنامه تبدیل در ماه آپریل یاری دادند.



پخش زنده برنامه تلویزیونی سیمای مسیح هر دوشنبه ساعت ۹ صبح به وقت لس آنجلس در شبکه محبت

آدرس اینترنتی:

www.SimaMasih.com www.Mohabat.tv



رشد کلیسا در ایران با وجود ادامه روند سخت‌گیری‌ها

مطلب پیش رو دیدگاه "لی دیانگ" مدیر مؤسسه مسیحی "کلام امید" است که از وضعیت مسیحیان در ایران می‌گوید.

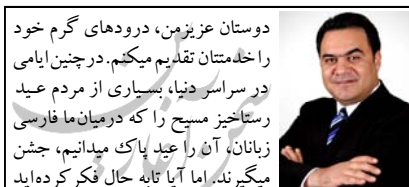
وجود عطش روحانی بسیار در جامعه ایران، باعث روی گردانی عده زیادی از اسلام سنتی و افزایش بی‌سابقه آمار گرویدن به مسیحیت در این کشور شده است. به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان، مدیر مؤسسه "کلام امید" آقای "لی دیانگ" در این خصوص می‌گوید، که این افزایش آمار باعث ایجاد نگرانی حکومت شده که در نتیجه آن، هر کس مظنون به تغییر دین باشد، به سرعت بازداشت می‌شود. دیانگ می‌گوید: "هر روز گزارشات جدیدی از بازداشت و بازجویی مأمورین امنیتی از نوکیشان مسیحی به گوش می‌رسد و افراد بسیاری که مظنون به انجام فعالیت‌های بشارتی مسیحی هستند، برای بازجویی احضار می‌شوند." بخش کثیری از ایمانداران مسیحی ایران، برای اجتناب از مداخله‌های بی‌مورد مقامات امنیتی، خود را به عبادت‌های زیر زمینی (کلیساهای خانگی) محدود کرده‌اند و این نشان میدهد که دولت ایران، هم‌اکنون بسیاری نگران و گوش به زنگ است. دیانگ همچنین اشاره کرده که تغییر دین در ایران، می‌تواند حتی به مجازات مرگ (ارتداد) نیز برسد. اکثر ایرانیان از سرخوردگی‌های پیرامون اسلام و حکومت مذهبی ایران بیزار و خسته شده‌اند. این سرخوردگی از طرف دیگر باعث ایجاد یک عطش روحانی در کشور شده است. هرچقدر هم این عطش بیشتر شود، آمار افرادی که به مسیح روی می‌آورند، رو به افزایش خواهد گذاشت. خوشبختانه با وجود ادامه جفاها، خانواده خداوند همچنان در حال رشد است. کارخدا در ایران، شهادتی عالی برای قدرت کلام اوست. مؤسسه "کلام امید" با همکاری مؤسسه مسیحی MERF اقدام به تولید برنامه‌هایی برای ایرانیان کرده است. مردم و ایمانداران مسیحی این کشور می‌توانند هر شب، برنامه‌های را از این گروه به زبان مادری خود بشنوند. ایرانیان با برنامه‌های اینترنتی که توسط سازمان WoH تهیه می‌شود نیز، بسیار تشویق خواهند شد. وی در پایان خواست تا همه ایمانداران برای مسیحیان ایران که تحت فشارهای شدید از سوی حکومت مذهبی ایران می‌باشند، دعا کنند. ایشان افزودند: "مردم ایران بسیار باجرات هستند و برای کنار آمدن با وضع فعلی، نیاز به حکمت و حفاظت خداوند دارند تا بتوانند به خدمت مسیح و فعالیت‌های بشارتی خود ادامه دهند.

سال چهارم شماره ۴۲ آپریل ۲۰۰۹

۲

ماهانامه تبدیل

Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com



دوستان عزیز من، دروهای گرم خود را خدعتان تقدیم میکنم. در چنین ایامی در سراسر دنیا، بسیاری از مردم عید رستاخیز مسیح را که در میان ما فارسی زبانان، آن را عید پاک میدانیم، جشن میگیرند. اما آیا تابه حال فکر کرده‌اید که این عید چه معنایی دارد؟ برخلاف بسیاری از اعیاد که غالباً موجب سرگرمی مردم میباشد، خوب است که بدانیم جشن رستاخیز مسیح از مردگان دارای پیغامی عظیم برای جهانیان میباشد. این واقعه، موضوعی است که حتی تاریخ نیز بر آن شهادت میدهد. مسیح با قیام خود از مردگان، سرنوشت بشر رو به فنا را عوض کرد. در کتابمقدس آیات بسیاری وجود دارند که به واقعیت رستاخیز مسیح اشاره دارند. اما مسیح براساسی از مردگان برخاسته و نویر خفتگان شده است، اول قرن ۲۰:۱۵. این بدان معناست که او امروز نیز زنده است و تغییر نکرده! و از آنجائیکه او زنده است، تصمیم او تغییر نکرده است و میخواهد تا ما حیات ابدی داشته باشیم. او مایل است تا قوت خود را در اختیار کلیسا قرار دهد، من و شما میتوانیم از آن بر خوردار گردیم. شاید شما دوست عزیز جزو کسانی باشید که در یاس بسر میرید و نیاز به تشویق دارید. آیامیدانستید برای شما امیدی وجود دارد؟ رستاخیز مسیح به ما پیغام میدهد که لازم نیست دیگر در غم و اندوه، دریاس و ناامیدی زندگی کنید. هدف خدا برای من و شما هدفی نیکو و کامل میباشد. اگر به هر مذهب و مسلکی اعتقاد دارید، کافیت به چنین نجات دهنده‌ای که برای من و شما مُرد و برخاست، ایمان بیاورید. اوزندگی شما را تبدیل خواهد کرد. جای دارد که رستاخیز مسیح از مردگان را از طرف خود و همکارانم به شما تبریک بگویم. با آرزوی ایامی شاد برای شما.

لس آنجلس آپریل ۲۰۰۹
التان باغستانی

حمایت مالی شما را از ماهنامه تبدیل پذیرائیم.

ماهانامه تبدیل

مدیر مسئول: التان باغستانی
ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح
ویراستار: نازنین باغستانی، ع. راد

TEL: 818. 522.1525

Tabdil@IRANforCHRIST.com
www.SimaMasih.com
www.Tabdilmagazine.blogfa.com

Iran for Christ Ministries

P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA

این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهی‌ها را چاپ کرده و یا رد کند
We have the right to refuse publishing.

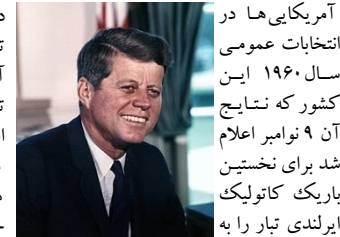


طبق گزارشی به نقل از شهرزاد، تعداد دوجنسی‌های ایران ۲۰۰ هزار نفر اعلام شد. این آمار را خاتون ملک آراء، مدیرعامل انجمن حمایت از بیماران اختلال هویت جنسی، ارائه داد. این درحالی است که نهادها و ارگانهای مختلف، هریک آمار متفاوتی از تعداد دوجنسی‌ها ارائه میدهند. گرچه در حال حاضر تعداد دوجنسی‌ها ۵۰ هزار است، اما با احتساب دوجنسی‌های خردسال و کهنسال و تعدادی که این اختلال را منکر میشوند یا مسکوت میگذارند، برآورد انجمن حمایت از بیماران اختلال هویت جنسی، تعداد کل آنان را ۲۰۰ هزار ارزیابی میکند. همین منبع افزوده است که سالانه بطور متوسط ۸۰ نفر از دوجنسی‌ها تغییر جنسیت میدهند. از جمله پیش شرطهای انجام این عمل، رضایت خانواده و امکان تأمین هزینه این عمل توسط متقاضی است. از همین روست که بسیاری از افرادی که دارای چنین اخلاقی هستند، به دلیل مشکلات اقتصادی و عدم حمایت مالی دولت، قادر به تأمین هزینه‌های سنگین عمل جراحی نیستند.



۲۰۰ هزار
دوجنسی در ایران

نخستین رئیس جمهوری کاتولیک آمریکا



آمریکایی‌ها در انتخابات عمومی سال ۱۹۶۰ این کشور که نتایج آن ۹ نوامبر اعلام شد برای نخستین بار یک کاتولیک ایرلندی تبار را به ریاست این کشور فدرال برگزیدند. از زمان استقلال ایالات متحده از انگلستان، روسای جمهوری آن کشور از میان سفیدیان پروتستان / انگلوساکسون تبار انتخاب شده بودند که در انتخابات نوامبر ۱۹۶۰ این قاعده را شکست، جان اف. کندی یک دمکرات چپ‌گرا و با توجه به سوابقش مردی میهن دوست بود.



نشانه‌های جفا‌های آینده
ماباید با دقت به پیشرفت فسادهایی که در اطراف خود مشاهده می‌کنیم توجه داشته باشیم. هم خود مسیح و هم پولس نبوت کرده‌اند که زمانی این وقایع به این برسد، کلیسا زیر حمله قرار خواهد گرفت و مسیحیان جفا خواهند دید. مسیح فرمود: به همان نسبت که بی ایمانی افزایش یابد، محبت بسیاری از مردم به سردی و کاهش روی می‌آورد. (متی ۲۴: ۱۲) در چنین محیط خشنونت آمیزی، بسیاری از مسیحیان که ابراز ایمان میکردند دچار لغزش گردیده و در جفا رساندن به برادران و خواهران مسیحی خود همکاری خواهند کرد. (متی ۲۴: ۱۰) همچنین پولس نیز همان چیز را ذکر مینماید و می‌گوید، مردم متفر از نیکی، بی رحم و بی ملاحظه خواهند شد. به آنانی که برای عدالت استوارند ناسزا خواهند گفت (دوم تیموتائوس ۳: ۲-۴). امروزه نه تنها در تمام جهان ما این چنین نوبتها را در برابر چشمان خود که به حقیقت می‌پویند نمی‌نگریم، بلکه به همان نسبتی که فرهنگ ما دنیوی و بی ایمان گشته، به همان نسبت نیز مسیحیت، کلیسا و مسیحیان نیز مورد حمله توسط "متنصبین بی‌گدشت" قرار گرفته‌اند. این حملات رفته رفته شدیدتر و استقامت مسیحیان برای عدالت همچنان سخت تر خواهد بود مسیحیان به خاطر مخالفت با شرارت‌های متفاوت به زندان افکنده خواهند شد، زیرا که اینها مقاومتها از طرف دولتها به عنوان "جرم" تأیید می‌شود.

زندگی پس از مرگ در نزد مصریان

و زبان پدر مرده را باز کرد تا هم چشمی را که در نبرد باست از دست داده بود به او نشان دهد و مصریان باستان به زندگی پس از مرگ اعتقاد هم خبر پیروزی را به گوش پسران و هم داشتند و همه مردم از فقر تا غنی و حتی فرعون تمام تلاششان بر این بود تا در طول حیات وسایل رفاه و آسایش خود را برای زندگی در جهان پس از مرگ تدارک ببینند. طبق همین اعتقاد بود که در آرامگاه را به دقت انجام دهند. چرا که معتقد بودند اگر اشراف و فراغه ظروف و اثاثیه و زیور آلاتی قرار می‌دادند تا در دنیای دیگر از آنها استفاده کنند. همچنین روی تابوت شاهان صحنه‌هایی از زندگی و جشن و شکار و پیروزی بردشمن را ترسیم می‌کردند. آنها حتی از دوران جوانی به فکر تهیه و تدارک اسباب مرگ خود بودند و اعتقاد آنها به زندگی پس از مرگ چنان قوی بود که به خاطر مرگ نزدیکان خود نیز زیاد گریه و زاری نمی‌کردند. آنها معتقد بودند که روح آزاد شده مرده برای زندگی جاودانه در سرزمین مغرب (دنیای مردگان) به کالبد و جسم سالم نیاز دارد تا در آن حلول کند به همین خاطر بدن مرده را مومیایی می‌کردند تا جسم او تا وقتی که روح آزادش از راهروی مات برنگشته سالم بماند. همچنین پس از مومیایی جسد مرده را داخل تابوتی که هم اندازه و قالب بدنش ساخته شده بود قرار می‌دادند تا کالبدی آماده برای بقای روح فرعون در سرزمین مغرب باشد. مصریان باستان معتقد بودند هر موجود زنده همزادی دارد که با مرگ او فوراً از بین نمی‌رود. به همین دلیل کنار جسد مومیایی غذاهای پیشکشی می‌گذاشتند تا همزاد (کا) از آنها تغذیه کرده و تا زمانی که روح آزاد (با) از راهروی مات بازنگشته سالم بماند. با بازگشت روح آزاد همزاد (کا) هم در کالبد مومیایی وارد می‌شد تا با هم به بهشت ابدی سفر کنند. هرودوت مورخ یونانی عهد هخامنشیان در کتاب "تورایخ" خود از مشاهدات خود درباره نحوه مومیایی‌های مصریان چنین نوشته است: مصریان پس از شستن مرده در رود نیل مغز مرده را با چنگکی از راه بینی بیرون می‌کشیدند و درون جمجمه را شستشو می‌دادند. سپس با سنگی لب تیز پهلوی مرده را می‌شکافتند و جگر، شش، معده و روده‌ها را در آورده و داخل چهار کوزه سفالین می‌گذاشتند. آنگاه درون شکم را با شراب خرما می‌شستند و بر آن داروهای معطر می‌پاشیدند و آن را با گیاه‌های خوشبو پر می‌کردند. سپس شکاف پهلوی را می‌دوختند و جسد را به مدت هفتاد روز در حمامی از مایع دارویی قرار می‌دادند. و بعد از این مدت آن را بیرون آورده و با نوارهای آغشته به موم جسد را محکم نوارپیچ می‌کردند و روی آن نشانه‌های طلسم قرار می‌دادند. راهبان در لیاقت آن را دارد که نزد آئیریس برود. اما حین این کار مدام وردهای جادویی می‌خواندند تا روح شیاطین از مرده دور شود. گشودن دهان مومیایی یادآور دیدار هوروس با پدرش آئیریس پس مستوجب عذاب و نابودی است و باید است که در آن هوروس با تیشای چشم و گوش و توسط شیطان آموت بلعیده شود.

مصریان باستان به زندگی پس از مرگ اعتقاد هم خبر پیروزی را به گوش پسران و هم داشتند و همه مردم از فقر تا غنی و حتی فرعون تمام تلاششان بر این بود تا در طول حیات وسایل رفاه و آسایش خود را برای زندگی در جهان پس از مرگ تدارک ببینند. طبق همین اعتقاد بود که در آرامگاه را به دقت انجام دهند. چرا که معتقد بودند اگر اشراف و فراغه ظروف و اثاثیه و زیور آلاتی قرار می‌دادند تا در دنیای دیگر از آنها استفاده کنند. همچنین روی تابوت شاهان صحنه‌هایی از زندگی و جشن و شکار و پیروزی بردشمن را ترسیم می‌کردند. آنها حتی از دوران جوانی به فکر تهیه و تدارک اسباب مرگ خود بودند و اعتقاد آنها به زندگی پس از مرگ چنان قوی بود که به خاطر مرگ نزدیکان خود نیز زیاد گریه و زاری نمی‌کردند. آنها معتقد بودند که روح آزاد شده مرده برای زندگی جاودانه در سرزمین مغرب (دنیای مردگان) به کالبد و جسم سالم نیاز دارد تا در آن حلول کند به همین خاطر بدن مرده را مومیایی می‌کردند تا جسم او تا وقتی که روح آزادش از راهروی مات برنگشته سالم بماند. همچنین پس از مومیایی جسد مرده را داخل تابوتی که هم اندازه و قالب بدنش ساخته شده بود قرار می‌دادند تا کالبدی آماده برای بقای روح فرعون در سرزمین مغرب باشد. مصریان باستان معتقد بودند هر موجود زنده همزادی دارد که با مرگ او فوراً از بین نمی‌رود. به همین دلیل کنار جسد مومیایی غذاهای پیشکشی می‌گذاشتند تا همزاد (کا) از آنها تغذیه کرده و تا زمانی که روح آزاد (با) از راهروی مات بازنگشته سالم بماند. با بازگشت روح آزاد همزاد (کا) هم در کالبد مومیایی وارد می‌شد تا با هم به بهشت ابدی سفر کنند. هرودوت مورخ یونانی عهد هخامنشیان در کتاب "تورایخ" خود از مشاهدات خود درباره نحوه مومیایی‌های مصریان چنین نوشته است: مصریان پس از شستن مرده در رود نیل مغز مرده را با چنگکی از راه بینی بیرون می‌کشیدند و درون جمجمه را شستشو می‌دادند. سپس با سنگی لب تیز پهلوی مرده را می‌شکافتند و جگر، شش، معده و روده‌ها را در آورده و داخل چهار کوزه سفالین می‌گذاشتند. آنگاه درون شکم را با شراب خرما می‌شستند و بر آن داروهای معطر می‌پاشیدند و آن را با گیاه‌های خوشبو پر می‌کردند. سپس شکاف پهلوی را می‌دوختند و جسد را به مدت هفتاد روز در حمامی از مایع دارویی قرار می‌دادند. و بعد از این مدت آن را بیرون آورده و با نوارهای آغشته به موم جسد را محکم نوارپیچ می‌کردند و روی آن نشانه‌های طلسم قرار می‌دادند. راهبان در لیاقت آن را دارد که نزد آئیریس برود. اما حین این کار مدام وردهای جادویی می‌خواندند تا روح شیاطین از مرده دور شود. گشودن دهان مومیایی یادآور دیدار هوروس با پدرش آئیریس پس مستوجب عذاب و نابودی است و باید است که در آن هوروس با تیشای چشم و گوش و توسط شیطان آموت بلعیده شود.



روح فرعون از شیاطین می‌نوشتند. در قدیم رسم بر آن بود که همراه فرعون تعدادی از نوکران و برده‌ها را زنده زنده دفن میکردند تا فرعون در دنیای مرده‌ها و به کمک آنها بتواند دوباره بر مردم حکومت کند. اما به مرور زمان این رسم برچیده شد و بجای آنها مجسمه‌هایی از ساحران نوکران و خدایان را داخل تابوت فرعون قرار دادند. روح آزاد مرده مجبور بود از دروازه‌های خدایان عبور کند تا به قرارگاه آئیریس در راهروی مات برسد. از آنجا که در هر دروازه خدایان نگرهبانی وجود داشت مرده می‌بایست ثابت میکرد که در طول زندگی چه کارهایی را در حق خدایان و فرزندان آنها (فراغت) انجام داده تا اجازه عبور از دروازه‌ها را به دست آورد. با عبور از دروازه‌های خدایان مرده به آخرین و مهمترین دروازه یعنی راهروی مات میرسید. در اینجا یکی از خدایان قلب مرده را آورده و روی یکی از کفه‌های ترازوی مات قرار میدهند. اگر مرده در زندگی کارهای خوبی انجام داده و تمام عمر در خدمت فرعون و خدایان بوده پس لیاقت آن را دارد که نزد آئیریس برود. اما در دنیای زنده‌ها کارهای بد و زشت زیادی انجام داده و به پسر خدایان (فرعون) خدمت نکرده پس مستوجب عذاب و نابودی است و باید توسط شیطان آموت بلعیده شود.

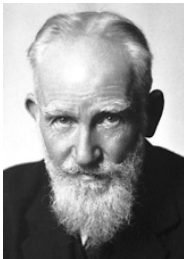
آلبوم "هلولویا ۴" کاری جدید از ژیلبرت مجموعه‌ای از سرودهای پرستشی

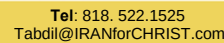


شما میتوانید برای دریافت آلبوم "هلولویا ۴" با شماره تلفن زیر تماس حاصل نمایید.

Gilbert Hovsepien
Tel: (818) 631-5401
Email: info@GilbertH.com

هر عیش و لذتی را که در دنیا به نظر بیایید، دارای رنج و زحمت است و اگر آنرا برای ما تولید زحمت نکند، در آینده، اسباب دردسر می‌شود. فقط دو لذت‌اند که هرگز نتیجه ناگوار و پشیمانی دربر ندارند: نیکی کردن به مردم و انجام وظیفه. بنوادم شاول





پاسخ و پرسش



بررسیها نشان میدهد افسردگی یکی از مهم ترین اختلالات روحی- روانی است که فرد خسیس به آن دچار می شود. روان شناسان دلیل اصلی بروز این حالت را منروی شدن آنها می دانند. از طرفی عناد دائمی آنها با جمع، باعث تنها ماندن شان می شود و همین امر باعث تشدید افسردگی خواهد شد. در واقع عقاید آنها باعث می شود تا همیشه تنها بمانند؛ حتی اگر به ظاهر، دیگران آنها را طرد نکنند. یکی دیگر از مشکلات روحی- روانی این افراد، "بی تابی و بروز حالت های هیجانی" است. نگرانی درباره همه چیز، به ویژه مخارج (فقط فکر کردن به مخارج و نه خرج کردن واقعی)، آنها را به افرادی بهانه جو، بی تاب، ایراد گیر و... تبدیل می کند. این نکته را هم فراموش نکنیم که حالتی "تهاجمی و عصبی" در رفتارهای آنها دیده می شود که هم باعث آزار خانواده و هم باعث آزار خودشان می شود. رفتارهای دیگری مثل حرص و ولع دائمی برای همه چیز، شک و تردید، حساسگری و خودمحوری از دیگر اختلالات روحی- روانی افراد مبتلا به بیماری خساست. این افراد فراموش کرده اند که تیر تیز رفتارهای نامطلوب و تهاجمی آنها، بیش از همه، روح و روان همسر و فرزندان شان را زخمی می کند.

در رابطه با اینگونه افراد، ابتدا باید طبیعت افراد خسیس را باور کنیم و بپذیریم که به بیماری امساک و خساست بیمار گونه دچار هستند. این باور باعث میشود تا رفتارهای او بر ایمان قابل تحمل باشد. مقابله به مثل نکنیم؛ این مقابله هیچ اثری جز تکرار رفتارهای نامطلوب او ندارد. حتی این رفتارها میتواند شدت بیشتری تکرار شود. پیش از خرید هر وسیله ای برای منزل با همسرمان مشورت کنیم. با وجود اختلاف نظر، مشورت کردن ضروری است تا پس از خرید با لجاجتی او روبه رونی شویم. به این ترتیب، مانع از جنجال شده و زمینه سازی کرده ایم. برای تقسیم دخل و خرج منزل، هم فکری کنیم تا به تدریج تغییراتی در شرایط ایجاد شود.

...ادامه در شماره بعدی



جایگاه زنان در کتاب مقدس زن از نظر مسیح خداوند...

بیوه زن نائینی (پسرش تنها پناه آن زن بود) لوقا ۱۱: ۷ الی ۱۷ و دو روز بعد به شهری مسیحی به نائینی می رفت و بسیاری از شاگردان او و گروهی عظیم، همراهش می رفتند. چون نزدیک به دروازه شهر رسید، ناگاه میتی را که پسر یگانه بیوه زنی بود می بردند و انبوهی کثیر از اهل شهر، با وی می آمدند. چون خداوند او را دید، دلش بر او بسوخت و به وی گفت: گریان مباح. و نزدیک آمده، تابوت را لمس نمود و حاملان آن بایستادند. پس گفت: ای جوان، تو را می گویم، برخیز. در ساعت آن مرده راست بنشست و سخن گفتن آغاز کرد و او را به مادرش سپرد. پس خوف همه را فرا گرفت و خدا را تمجیدکنان می گفتند که نبی ای بزرگ در میان ما مبعوث شده و خدا از قوم خود نفقذ نموده است. پس این خبر درباره او در تمام یهودیه و جمیع آن مرز و بوم منتشر شد.

خواننده گرامی: آیا موضوعی در زندگی شما وجود دارد که احتیاج به دعای مخصوص دارید؟ تیم دعای مادر ماهنامه تبدیل آماده خدمت به شما می باشند. از شما خواهشمندیم مطالب دعای خود را به ما ارسال کنید تا ما با شما متحد شویم.

تلفن: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸) Email: Tabdil@iranforchrist.com
آدرس پستی: P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA



حکایت درویش و روستا

درویشی به روستایی رسید. جمعی کدخدایان را دید آنجا نشسته. گفت: مرا چیزی دهید و گرنه به خدا با این روستا همان کار کنم که با روستای دیگر کردم. ایشان پرسیدند. گفتند: میاد که ساحری باشد که از او خرابی به روستای ما برسد. آنچه خواست بدادند. بعد از آن پرسیدند که: با آن روستای چه کردی؟ گفت: آنجا چیزی خواستم ندادند به این روستا آمدم "اگر شما نیز چیزی نمی دادید این روستا را رها میکردم و به روستای دیگر می رفتم!



برای تهیه کتاب مقدس به زبان فارسی با ما تماس حاصل نمایید.
۱۵۲۵-۵۲۲ (۸۱۸)

اگر مسیح زنده نشده است پس تمام پیغامها و موعظه های ما دروغ است و ایمان و اعتماد نیز به خدا بی اساس و بیهوده میباشد. در این صورت ما حواریون نیز همه دروغگو هستیم زیرا گفته ایم که خدا مسیح را زنده کرده و از قبر بیرون آورده است. اگر امید ما به مسیح فقط برای زندگی در این دنیا باشد از تمام مردم دنیا بدبخت هستیم. اول قرینان باب ۱۵ آیت ۱۴ و ۱۵

www.TabdilMagazine. blogfa.com

روحانی برخوردار شود. لوئر در صدد بود کلیسا را طبق تعلیم اصلی کتاب مقدس اصلاح کند (و به این دلیل نهضت وی را "اصلاح انجیلی" نامیده اند) برخی از تفاوتها بین پروتستانها و کاتولیکها: * پروتستانها با قدرت الهی پاپ مخالفت می کنند. * مؤمنان برای ارتباط با خدا تنها احتیاج به روحانیان ندارند. * کشیشان فرقه پروتستان ازدواج را بر خود حرام نمی دانند...



اطلاعات جالبی درباره نام محله های تهران

با استفاده از منابعی درباره نام برخی محله های تهران اطلاعاتی گرد آورده ایم که در ادامه میخوانید...

کامرانیه

زمینهای این منطقه ابتدا به میرزا سعید خان، وزیر امور خارجه تعلق داشت، و سپس کامران میرزا پسر بزرگ ناصرالدین شاه، با خرید زمینهای حصار یوعلی، جماران و نیاوران، اهالی منطقه را مجبور به ترک زمین ها کرد و سپس آن جا را کامرانیه نامید.

محمودیه (بین پارک وی و تجریش یا ولیعصر تا ولنجک) در این منطقه باغی بوده است که متعلق به حاج میرزا آقاسی بوده است و چون نام او عباس بوده آنرا عباسیه می گفتند. سپس علاءالدوله این باغ بزرگ را از دولت خرید و به نام پسرش، محمودخان احتشام السلطنه، محمودیه نامید.

صدور حکم دادگاه برای ۳ تن از مسیحیان شیراز

طبق گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان در پی انتشار خبری مبنای بازداشت ۳ خانواده از نوکیشان مسیحی در شیراز که در مورخه ۱۱ امه ۲۰۰۸، توسط مأمورین امنیتی در فرودگاه شیراز صورت گرفت، پس از صدور کفرخواست برای آقایان سید علاءالدین حسین و همایون شکوهی و سید امیرحسینی باب اناری، دادگاه انقلاب اسلامی شیراز سرانجام پس از برگزاری حد اقل ۶ جلسه دادگاهی از زمان بازداشت تا کنون، با صدور حکمی در مورخه ۲۱ اسفند ۱۳۸۷ هر سه نفر آنان را به اتهام همکاری و تبلیغ به نفع گروههای مخالف نظام (شبکه تلویزیونی ۲۴ ساعته مسیحی محبت و شبکه تلویزیونی نجات) و بشارت دادن انجیل، به تحمل ۸ ماه حبس تعزیری که به مدت ۵ سال به حالت تعلیق درآمده است محکوم کرد.

در ادامه قاضی پرونده اظهار داشت؛ در صورتیکه هر کدام از این ۳ نفر در طول این ۵ سال مرتکب هر جرم و یا خطایی شوند و یا در مراسم و یا هریک از برنامه های کلیسایی شرکت نمایند و یا در مکانی از انجیل و مسیحیت صحبت کنند، جدای از محکومیت جدیدشان می بایست این ۸ ماه حبس را نیز تحمل نمایند و به جرم ارتداد نیز محاکمه خواهند شد.

همچنین در پایان جلسه دادگاهی به آنان گفته شده حق ارتباط با یکدیگر را ندارند لازم به یاد آوری است این ۳ هموطن مسیحی که در مورخه ۲۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۷ به همراه خانوادهای خود قصد شرکت در کنگره ای در ژنی را داشتند، توسط مأمورین امنیتی فرودگاه شیراز بازداشت و مأمورین مانع از سفر آنان می شوند. همراهان این سه تن نیز پس از سه روز با سپردن وثیقه آزاد می شوند.





در نشستی فکری در لبنان اوضاع مسیحیان در ایران بررسی شد

این میزگرد به منظور بررسی کتاب مسیحیت در ایران برگزار شد که توسط سرکس/بوزید، روزنامه نگار و تحلیلگر سیاسی لبنانی نوشته شده است. میزگرد مسیحیت در ایران در مرکز فرهنگی سریانی در بیروت برگزار شد. طبق گزارشی به نقل از ایران‌ناز بیروت، بوزید با طرح این پرسش که آیا مسیحیت در ایران ویژگی خاص خود را دارد؟ گفت اکنون ۱۵۰ هزار مسیحی در ایران در امنیت کامل زندگی می کنند و از همه حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مانند یک شهروند مسلمان و حتی بیشتر از آنان برخوردار هستند و با هیچ نوع سرکوب و آزار و اذیتی نیز مواجه نیستند. بوزید افزود: بر اساس قانون اساسی ایران مسیحیان دو نماینده ارمنی و یک نماینده آشوری در پارلمان این کشور دارند و در مسایل ازدواج و ارث از قانون خاص خود پیروی می کنند و برای دفاع از کشورشان در خدمت نظام وظیفه عمومی نیز شرکت می کنند. حبیب افرام رئیس مرکز سریانی در لبنان نیز مسیحیان در خاورمیانه افزود در این منطقه همه با هم مرتبط بوده و سرنوشت یکسانی داریم.



شفاء، اراده و خواست خدا



به قلم
کشیخ رضا صفا

یکی از حواس انسانی دریافت کند. وهم چنین مستلزم آن است که بتوانیم آن را ببینیم، بشنویم، بچشمیم، ببوئیم و لمس کنیم. دلیل آنکه بسیاری از دانشمندان وجود خدا را رد می کنند این است که نمی توانند او را ببینند، بشنوند، بچشمند، ببویند و یا او را لمس کنند. ژان پال سارتر که فلسفه اگزیستنیالیست را بوجود آورده می گوید: هرچه که از این پنج حواس انسانی خارج باشد وجود ندارد. این فلسفه در حقیقت یک فلسفه اشتباهی است چرا که بعضی از موجودات هستند که حواس قوی تر از انسانها دارند. بعنوان ۹۹ درصد از همه ما انسانها آن را معمولاً مثال؛ سگها می توانند بونی را حس کنند که ما دریافت می کنیم. این دانش بر اساس پنج حواس فیزیکی ما می باشد، که شامل؛ دیدن، شنیدن، لمس کردن، چشیدن و بو کردن بوئیدن است. تمام دانشی که انسانها، مدارس، دانشگاهها و تمام دانشمندان دریافت کرده اند از این طریق است. هیچ دانش فیزیکی، شیمیایی، پزشکی و دانش دیگری وجود ندارد که به این وسیله بدست نیامده باشد. این نوع دانش یک دانش محدودی است و وابسته به تشکیلات روحانی است که از روح و کلام خدا موقعیت، زمان، فهم، رشد فکری و متولد شده است. و چون یک ایماندار از کلام روح خدا تولد دوباره یافته است لازم است که ما امروز در مورد علم پزشکی دارا هستیم بیشتر از دانشی است که پنجاه سال پیش دارا بودیم و هم اکنون نیز این دانش بیشتر و بیشتر در مورد بدن انسان و خود قوت روحانیان را از دست می دهند، عملکرد آن در حال رشد است. زیرا این دانش بستگی به پنج حس ما دارد و خواهند داشت. وقتی فهم روحانی ما بر اساس دانش حسی بنا می شود، معجزه ای که از کلام خدا برای ما مهیا شده است را از دست می دهیم و محدود به موقعیت فیزیکی مان می شویم. در این زمان است که مسیحیت تبدیل به یک مذهب می شود و نه یک راه حقیقی و روحانی! یک تفاوت عظیمی بین مسیحیتی که از مکاشفه کلام خدا هدایت می شود و مسیحیت و مذاهب دیگری که از دانش معمولی (حسی) هدایت می شوند وجود دارد. تمام مذاهب از این نوع دانش بر خور دارند چرا که چشمه این مذاهب از خدای حقیقی نیستند. انجیل می فرماید که ما آشکار می کنند. این دانش چگونگی آفرینش خلقت، هدف از آفرینش وجود دارد. یوحنا ۱:۶، اول تیموتائوس ۲:۶ کسی خلقت و حیات انسان را به ما آشکار می سازد که دانش روحانی دارد این مسئله را کاملاً می سازد که دانش معمولی و حسی قبول کرده است، و کسی که این دانش را ندارد نمی تواند آن را درک کند. برای و تنها دارای دانش حسی است این حقیقت اینکه دانش حسی (معمولی) بتواند مسئله ای عظیم را قبول ندارد زیرا که این حقیقت تنها را قبول کند باید آن را از طریق باید از طریق مکاشفه روح خدا ثابت شود.

اعتراض مسیحیان به سوء استفاده های جنسی

پاکستان- به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از BosNewsLife پلیس خانواده های مسیحی را که در منطقه فقیر نشین شهر سارگودا زندگی می کنند، مورد آزار جنسی قرار داد. چندی پیش ده ها زن و مرد مسیحی در برابر ایستگاه پلیس، به نشان اعتراض تجمع کردند تا خشم و درد خود را از این واقعه ابراز کنند. این تاریخ روزی بود که نیروهای پلیس در آن به دهکده سلطان در شهر سارگودا حمله کردند. گفته می شود رئیس پلیس منطقه، افضل لعلی به همراه نیروهای خود به خانه یک مسیحی بنام نعیم گیل حمله می کنند و پنج تن از مهمانان او به نام های ندیم/شرف، ندیم/نصیر، هارون/گیل، ظفر و کامران بهاتی را از خانه بیرون میکشند و در وسط خیابان شروع به کتک زدن ایشان با کفش هایشان می کنند. کتک زدن با کفش در فرهنگ مسلمانان پاکستان یکی از نشانه های اعات و بی احترامی به شخص مقابل است. نعیم گیل، صاحب خانه گفت: لعلی و همکارانش از قطع برق استفاده کردند و خیلی ناگهانی وارد منزل ما شدند. تعدادی از آنان داخل اتاقی رفتند که زنان و دخترانمان در آن نشسته بودند و ایشان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. نیروهای پلیس کاملاً بی رحمانه نجات همسران و دخترانمان را لکه دار کردند و لباسهایشان را پاره کردند و آنها را به وسط خیابان کشاندند.



هجوم به سمت خانه پلیس اعلام کرده بود که به دنبال یک مجرم فراری بنام شاهید/شرف بوده و به همین علت بطور ناگهانی وارد آن خانه شده است. به هر حال مسیحیان، مقابل ایستگاه پلیس بر ضد این عمل تظاهرات کردند و می گفتند که نیروها بدون هیچ دلیلی خانه آقای گیل را جستجو کرده اند. افضل لعلی، رئیس پلیس منطقه، حمله ناگهانی نیروهایش به خانه نعیم گیل را تأیید کرد و گفت که این بخشی از عملیات تعقیب آن مجرم بوده است. در مصاحبه خبرگزاری مسیحی بالعلی، وی هرگونه سؤ رفتار از سوی خود یا نیروهایش را تکذیب کرد. اما مسیحیان می گویند حمله به خانه و شکنجه یک خانواده مسیحی از حوزه اختیارات وی خارج است. یک گروه مدافع حقوق بشر در پاکستان به نام ROD میگوید این اولین باری نیست که پلیس مسیحیان بی گناه و بالاخص فقیر کشور را مورد شکنجه های بی دلیل قرار می دهد. فرمان مظهر معتقد است که مسیحیان بخاطر نداشتن بودجه کافی، قادر به دفاع از خود در دادگاه ها و ایستگاه های پلیس نیستند.

شطحات مسیحایی



چقدر زبانم قاصر است و قلم ناتوان در بازگویی فیض و توجیه بزرگی که همه این تلاشهای بجه گانه و این دست و پا زدنهای بی مفهوم و آشفته مرا به میکنی که در نمایش زیبای پادشاهی تو معنا پذیرد و این خاصیت فیض است.

آه از این نمرات تاریک سیاهانامه ما و چه شگفت انگیز است که در دفتر ریز نمرات نه تنها به ما نمره قبولی می دهی بلکه نمره پست را که عالیترین و بالاترین نمره انسانیت را در کارنامه درخشان تاریخ بشریت دارد، به حساب ما میگذاری و برای ما ثبت میکنی بی آنکه در بهترین لحظات اطاعت و مراقبه حتی، فرسنگها به کوی تو نزدیک آمده باشم (خروج باب ۱۹) و این خاصیت فیض است. اصلاً کجاست تو ان گفتن از تو؟ کجاست حکمت و کجاست عالم (اول قرئین ۱۹:۱) همه در برابر تشعشع جملات که در چهره آفتاب سوخته مرد ناصری نقش بست به خاک خواهند افتاد (فیلیپ ۱:۲) و آنجاست که صلح کامل و غنای محض ما را فرو خواهد گرفت و این خاصیت فیض است. چه زیبا است گفتار آگوستین قدیس، که خدایا تو ما را برای خویش آفریدی و تا در تو قرار نگیریم آرام نخواهیم گرفت. و در تو قرار گرفتن ما تنها در پای صلیب مرد ناصری میسر شد. جایگاه آسمان و زمین تلاقی کردند و تو ما را پای صلیب پست بوسیدی و این خاصیت فیض است. شاید پدر ایمان، ابراهیم آن دم که تیغ برگلوی اسحق جوان نهاده بود و تو از جان پسرش که محک دلدادگی به تو بود در گذشتی کمی از آنچه تو بر خود در جلجتا روا داشتی آموخت که آنچنان عاشقانه قهرمان ایمان لقب گرفت (باب ۱۱ عبرانیان) و تو پست را دریغ نداشتی و این خاصیت فیض است. از جان و دل سراییدن تو تنها ما را به وجد می آورد که تویی نیازی از هر آنچه مخلوق نثار کند. تویی که آسمان تخت توست و زمین پای اندازت و عرشیان تو را می ستایند و قدوس قدوس قدوس می گویند. ما را تنها دلخوشی این است که نام عیسی را بر زبان آوریم که عطر ریخته شده است و شمیمش تمامی آفرینش را مست روح تو کرده است. میدانی که در نماز ما نام خم آبروی تو شیدایمان میکند و رو به تجلی که مهرت که جلجتاست به سجده میرویم و این خاصیت فیض است. و این خاصیت فیض است که لمس دامن ردا ی تو ما را شفاست (متی ۲۰:۲۹) و آوای مطهر تو ما را بقاست (انجیل یوحنا باب ۱۱).

اینها همه خاصیت فیض است... کیوان



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

ستون پنجاهه

با اجازه...



یک خانم ۴۵ ساله که دچار حمله قلبی داشت و در بیمارستان بستری بود. در اتاق جراحی که کم مانده بود مرگ را تجربه کند خدا را دید و پرسید: آیا وقت من تمام است؟ خدا گفت: نه شما ۴۳ سال و ۲ ماه و ۸ روز دیگر عمر میکنید.

دروقت مرخصی خانم تصمیم گرفت در

بیمارستان بماند و عملهای زیر را انجام دهد. کشیدن پوست صورت - تخلیه چربیها (لیپواسکشن) - عمل جمع وجور کردن شکم. او حالاکسی را نداشت که بیاید و موهایش را رنگ کند و دندانهایش را سفید کند! و از آنجاییکه زمان بیشتری برای زندگی داشت از این روتصمیم گرفت که بتواند بیشترین استفاده را از این موقعیت (زندگی) ببرد. بعد از آخرین عمل خود از بیمارستان مرخص شد. در وقت گذشتن از خیابان در راه منزل بوسیله یک آمبولانس کشته شد. وقتی با خدا روبرو شد، پرسید: من فکر کردم شما فرمودید من ۴۳ سال دیگر فرصت دارم چرا شما مرا از زیر آمبولانس بیرون نکشیدید؟

خدا جواب داد: من شما را تشخیص ندادم!

نتیجه اخلاقی: آنقدر خود را عوض نکن که حتی خدا

هم تو را نشناسد....



دانشتهای عمومی

- در بدن هر آدم یک مشت گچ (کلیسم) وجود دارد.
- مگس و پشه روی گل آفتابگردان نمی نشینند.
- اگر برگهای آفتابگردان را آتش بزنی، همه حشرات، موش و قورباغه از آن محل فرار میکنند.
- انسانها روزانه بطور متوسط ۵ هزار کلمه صحبت میکنند که ۸۰ درصدش با خودشان است.
- ملکه موریا نه ۵۰ برابر بزرگتر از جفت نر خود است.
- رستوران گاریبالدی در مرکزیک ر کوردادر تحویل غذا در جهان است. این رستوران غذای مورد علاقه شما را در عرض ۱۳ ثانیه تحویل میدهد.

او کلیه مسئولیتهای کلینیک را به عهده گرفته بود. دکتری، داروسازی و گاهی پرستاری شبانه! وظائف و کارهای طاقت فرسا توأم با مطالعه شبانه روزی در خصوص مذهب و علم پزشکی، سلامت وی را با خطر مواجه میساخت. فروردین ماه ۱۲۷۱، دکتر هالمر از آمریکا برای جانشینی دکتر الکساندر وارد همدان شد. قرارداد سعیدخان رو به اتمام بود، و چون تمایلی برای ادامه اینکار نداشت، لذا از خدمت در میسیون استعفاء داد. او مدت دوازده سال با کمال صداقت و وفاداری بعنوان معلم زبان، دستیار دکتر، و سپس پزشک خدمت نمود. در طی این مدت از کمکهای یلدریغ میسیونرها برخوردار بود؛ او را مساعدت و همراهی میکردند، به او درس انگلیسی و طب را آموختند؛ از لحاظ روحانیت وی را کمک میکردند. او دین خود را در این مدت طولانی با خدمات با ارزش و عام المنفعه اداء نمود.

سعیدخان تصمیم گرفت به خارج سفر کند و برای شروع کارش دور شود. ثانیاً به یک تغییر آب و هوا و استراحت کامل احتیاج داشت. ثالثاً میخواست به انگلستان یا آمریکا برود تا تحت نظر استادان معرب، دوره تخصصی دکتری را ببیند. چهارمین علت مسافرت وی، جامه عمل پوشانیدن به یکی از آرمانهای قلبی اش بود. یعنی در روحانیت به حد کامل رسیدند! در همدان با شخص سوندی به نام هاگبرگ آشنا شد که ادعا میکرد خود به این کاملیت رسیده و میتواند وی را نیز در رسیدن به این هدف و آرزو کمک نماید! بنابراین آقای هاگبرگ او را به سوئد دعوت کرد. او از دوستان خود مبلغی پول قرض کرد، و به امید اینکه بتواند به خواسته معنوی اش نائل آید، عازم سوئد شد و با نهایت کوشش در صوفه جوئی و قناعت طی طریق مینمود. او در نهم ژوئیه ۱۹۸۳ به استکهلم رسید. اما این اتفاق در زندگی سعیدخان، ملال آور و مایه تأسف بود. در آنجا نشانهای برای نیل به آرزویش دیده نمیشد. هرگز فرصتی نمی یافت که به تحصیل علم پزشکی خود ادامه دهد و حتی یک قدم هم بسوی کمالات روحانی برنداشت. وقتی که میخواست در مورد یک مطلب روحانی صحبت کند، هاگبرگ اصرار میکرد که موضوع صحبت خود را تغییر دهد و از آداب و رسوم گردها و عقاید اسلامی سخن بگوید. همه تحسین و تعریفها که از او می شد بر پشت بدینی وی از این مردم، بقول خود روشنفکر و آزادخواه، میافزود. برایش مسلم گردید که این اشخاصیکه ادعای کاملیت میکنند و خود را هادی دیگران قرار میدهند، خود مردمانی گمراه و فرسنگ ها از حقیقت به دور میباشند. یک روز صبح که در کنار تخت خوابش زانو زده بود و برای رسیدن به این کاملیت دعا میکرد، ناگهان سخنان یوحنا رسول بخاطرش آمد که میفرماید: "لکن میدانیم که چون او ظاهر شود مانند وی خواهیم بود، زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید." چه وعده واضحی! "چون ظاهر شود." او چنین استنباط نمود که "مانند او خواهیم شد." وعده ایست مربوط به آینده یعنی روزیکه ایمانداران، مسیح را روبرو به بینند. بنابراین نباید انتظار آنطور کاملیتی که آرزویش بود، در این دنیا داشت. همه ایمانداران بعد کمال خواهند رسید اما نه در این دنیا. آرامش کاملی وجودش را فراگرفت. اضطراب و پریشانی برای نیل به این هدف، در این دنیا، از بین رفت. فیض خدا بر کشمکش درونی اش ظفر یافت. اواخر مهر ماه بود که سعیدخان مصمم شد به انگلستان برود.

علت اتخاذ این تصمیم، پیشنهاد یک دکتر سوندی بود که وی را برای دیدن دوره تخصصی به رفتن انگلستان تشویق و ترغیب کرده بود. هرچند دل خوشی از سوندی ها نداشت و مردد بود که آیا پیشنهاد وی نیز مانند وعده هاگبرگ دروغ و پوچ از آب در خواهد آمد؟ آیا انگلستان بهتر از سوئد خواهد بود؟ ولی بقول معروف به خدا پناه برد و عزم را جزم نمود که به انگلستان برود. عبور از دریای شمال بعدها اثر مهمی بر روی سعیدخان گذاشت هوا طوفانی و دریا خروشان بود.

۳۸

۱۵امه در شماره بعد....



طبيب محبوب

شرح زندگي

دکتر سعیدخان کردستانی

مسافرت های داخل و خارج از ایران

هنگام دید و بازدید عید نوروز سعیدخان و آقای هاکس به دیدن یکی از افسران عالیتره ارتش رفتند. مکالمات و صحبت های دوستانه آنها کم کم به بحث در پیرامون مذهب کشیده شد. سخنان سعیدخان به مذاق میزبان تلخ آمد و تصمیم به تنبیه نمودنش گرفت. از این رو شکایتی نوشت و توسط شخصی به حاکم شهر تسلیم نمود. روز بعد سعیدخان به حضور حاکم احضار شد و او طبق معمول نزدیک درب ورودی بر روی صندلی ای نشست. اما حاکم او را به جلو خواند تا بازجویی لازم را از وی به عمل آورد و بقیه حضار نیز سؤال و جوابها را استماع نمایند. او ابتدا با صدای بلندی پرسید: دکتر، اسهال خونی را چگونه معالجه میکنی؟ سپس وی را نزدیکتر خوانده، آهسته طوریکه دیگران متوجه نشوند گفت: دیشب شخصی به نزد من آمد و شکایتی بر علیه تو به من داد که حاکی از توهین بود. ضمناً خودش تقاضای مجازات تو را مینمود. من او را آرام کردم و گفتم که تو یکی دانشجوی طب هستی و اصولاً کسانیکه در این رشته تحصیل میکنند دین و ایمان درستی ندارند؛ پس حالا برو و دیگر به خصم مجال بهانه گرفتن مده. خلاف و مجازات او همین بود! سعیدخان کاملاً آزاد شده بعدها همان افسر عالی مقام که موجب این واقعه جزئی شده بود، یکی از دوستان صمیم سعیدخان شد. سعیدخان پس از پایان قرارداد خود با میسیون، در سال ۱۲۷۰ خورشیدی، تصمیم گرفت مسافرتی به رضائیه بکند، آنجا که قبلاً با دختر کوچکش سارا برای دیدن اقوامش رفته بود. این مسافرت به او فرصتی داد که پیغام مسیحائی خود را به زبان بومی به شهرهای مرزی کردستان برساند و ضمناً دوست خود کشیش یوحنا را ملاقات کند. کشیش با افتخار و سربلندی تمام وی را به اعضای کلیسا و آشنایان معرفی کرد و او در همان کلیسا به زبان سریانی موعظه نمود. هنگام مراجعت به همدان از وی خواسته شد که قرارداد خود را با میسیون تجدید نماید. هرچند به انجام اینکار تمایل و علاقه ای نداشت، اما چون دکتر الکساندر به خدمت خود خاتمه داده و درمانگاه تعطیل شده بود، و عده زیادی از بیماران هم از لحاظ معالجه و مداوا در مضیقه بودند، او حاضر شد تا آمدن یک دکتر جدید از آمریکا به معالجه بیماران مشغول شود.



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

**خداوند، من اعتراف میکنم گناهکار هستم. ایمان دارم
که عیسی مسیح بخاطر گناهان من بر روی صلیب، جان
خود را فدا نمود و به وسیله رستخیز از مردگان و غلبه
بر مرگ، مرا در حضور تو عادل ساخت. من اکنون او
را بعنوان نجات دهنده در قلب خود میپذیرم. آمین**



قبل از ازدواج، توقعاتتان را ارزیابی کنید



قبل از هر چیزی طرف مقابل خود را اول بگذارد. وقتی زندگی والدین به نظر موفق و خوشبخت می آید، ممکن است بچه ها روابط خودشان را دست کم بگیرند و این فکر که رابطه خودشان هم شاد و خوشبخت خواهد شد کمی غیرواقعی است. وقتی دو نفر آشنایی بیشتری با هم داشته باشند، انتظارات و ارزشها و هدفهای هم را قبول داشته باشند، و در تعهد خود نسبت به همدیگر جدی باشند، احتمال موفق شدن رابطه شان خیلی بیشتر خواهد بود.

تکته ۲: در روابط طولانی مدت

این سوالات را از خود بپرسید:

آیا زمان کافی برای شناخت همدیگر گذاشته ایم؟ آیا اهداف، ارزشها و انتظارات یکسانی داریم؟ آیا علائم هشداردهنده ای مثل سوءاستفاده، خشونت، مسائل مالی، مشکلات جنسی و از این قبیل را بررسی کرده ایم؟ آیا میتوانیم باهم گفتگو کنیم؟ آیا میتوانیم در حین حرف زدن به حرف همدیگر گوش دهیم؟ آیا میتوانیم در جهت یک هدف مشترک تلاش کنیم؟ و بخاطر همدیگر از خود گذشتگی کنیم؟ آیا میتوانیم انعطاف پذیر باشیم؟ سازگار باشیم؟ آیا هر دوی ما خوشبین هستیم؟

ماهنامه تبديل با پخش در بسیاری از مناطق فارسی زبان در آمریکا با درخواست اشتراک و آگهی کار و خدمات خود، ما را در حفظ ماهنامه تبديل یاری نمایید.

The Change Monthly Paper is Distributed to most of the Persian speaking community, and your monthly payment will help The Change paper to be more effective for the Persian speaking world.

Yes! I want to subscribe THE CHANGE \$30 for one year

Name _____

Address _____

City _____ State _____

Zip _____

Phone () _____

Please clip and return with payment to:

Iran for Christ ministries

P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

Tabdil@iranforchrist.com

TEL: 818. 522. 1525

<http://www.iranforchrist.com/Tabdil.htm>

الهی در دلها و ذهنهای ماهنگام مطالعه کتاب مقدس شکل نگیرد، خواندن کتاب مقدس تبدیل به کاری طاقت فرسا و خسته کننده ای خواهد شد که ایماندار هرگز از مطالعه آن لذت نخواهد برد. اما خوشحال آنانیکه در کلمات این کتاب که بدرستی "نفس خدا" خوانده شده است، تصویر زیبای خداوند خود را می بینند. کتاب مقدس که آن را به حق کلام خدا می خوانیم، دل و فکر و ذهن خدا است که بر ما توسط روح قدوس او آشکار گردیده است. هر آیه این کلام گوشه ای از ذات لا تنهایی آن قدوس را به توسط زبان قابل فهم انسانی برای ما مکشوف می سازد. این مهم از نخستین آیات کتاب پیدایش قابل رویت می باشد. در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید. در اولین آیه کلام خدا سه اصل مهم و پایه ای ایمان مسیحی که این ایمان را با سایر مکاتب و مذاهب متمایز می سازد به ما ارائه می کند.

ادامه در شماره بعد

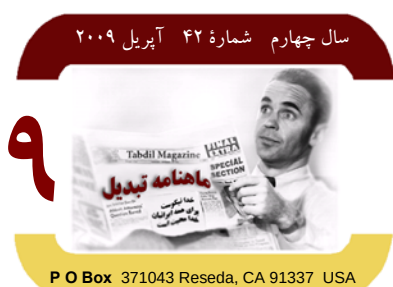


امروزه مسیحیان در بسیاری از کشورها با آزار و اذیت و شکنجه روبرو هستند. کشورهایی با حکومتی کمونیستی و اسلامی نظیر چین، ایران، کره شمالی و... از جمله کشورهایی محسوب می شوند که کلیساها در زیر فشارهای مأمورین امنیتی قرار دارند و مسیحیان نمی توانند آزادانه به پرستش پرداخته و ایمانشان را اعلام کنند. مصر - مذهب رسمی و منبع اصلی قانون، دین اسلام است، بر این اساس فعالیت های مذهبی که با اسلام سازگار نیستند ممنوع می باشد. مسلمانانی که به ادیان دیگر می گروند ممکن است با مشکلات قانونی مواجه شوند. درخواست های غیر مسلمانان در خصوص ساختن بنا برای پرستش، مستلزم کسب حکم از جانب ریاست جمهوری است. پلیسها، مسیحیان قبطی را کتک می زنند، پلیس مسلمان جایگاه یک مسیحی مصری را در جامعه به او می شناساند.

نیجریه - بر اساس قانون، تجمع در انتظار عمومی به منظور فعالیت های مذهبی به غیر از اسلام، ممنوع می باشد. گردیدن به یک دین تازه به غیر از اسلام غیر قانونی است و دولت پخش هر گونه تبلیغات مذهبی مکتوب غیر اسلامی را محدود میکند. این کشور قانونی تحت عنوان "آئین نامه فعالیت های مذهبی" تصویب کرده است. بر اساس این آئین نامه هر کس که مسلمانی را وادار به تغییر دین خود بنماید، به ۲-۵ سال حبس و پرداخت جریمه های سنگین محکوم خواهد شد.



زمانی که برای بار نخست کتاب مقدس را بعد از ایمان خود مطالعه کردم بنظر رسید که این کتاب از بخشهای متعدد، مجزا و بی ارتباط از هم تشکیل شده است. یقین دارم خواننده این مقاله نیز چون بنده، نخستین بار این احساس را تجربه کرده است. کتابی که در محدوده زمانی ۱۵۰۰ ساله بدست نویسندگان متنوع با فرهنگها و زمینه های گوناگون با زبانها و موطئهای متفاوت بقلم درآمده است. اما در حقیقت این تنوع اعجاب انگیز در جهت مثبت و تأیید الهامی بودن کتاب مقدس به زیبایی خدمت میکند. جالب توجه است که بدانید با اینکه کتاب مقدس متشکل از ۶۶ کتاب متفاوت با سبکهای نگارشی گوناگون می باشد، جمله در مورد یک موضوع کلی و یک شخصیت مشخص صحبت می کند و آن نجات دهنده عالم، عیسی مسیح و نجاتی که او برای نوع بشر تهیه می کند است. حتما شاهد برنامه های تلویزیونی بوده اید که آثار هنرمندانی را به نمایش می گذارند که هنر ایشان با سبکهای هنری کلاسیک کمی متفاوت می باشد. هنرمندانی که با وسایل سنگین کشاورزی در مزارع بزرگ اقدام به خلق هنری می کنند که زیبایی آن تنها از مکانهای مرتفع قابل رویت می باشد. آثار هنری زیبایی که در دل زمینهای کشاورزی با خم کردن شاخه های گندم بوجود می آید. تا زمانیکه در میان این اثر استاده اید هر گز به وجود چنین تصویر زیبایی که این هنرمند خلق کرده است پی نخواهید بود، در حقیقت شاید به ظاهر شاهد بی نظمی و ناموزنی آن زمین کشاورزی بوده و این سوال را از خود بپرسید که چرا بعضی از این شاخه های گندم شکسته و برخی سالم هستند؟ اما زمانی که سوار هلیکوپتر و یا هواپیما بشوید و از نقطه مرتفعی به این بظاهر بی نظمی نظری افکنید متوجه آن تصویر نهایی و آن آثار هنری خواهید شد. کتاب مقدس نیز چنین است؛ تا زمانیکه متوجه کل کتاب مقدس نبوده و هر کتاب را جدا و منفک از مجموعه کتاب مقدس مطالعه کرده متوجه ارتباط آن با پیام اصلی کتاب نباشید، همانا بی نظمی و نامربوطی اولین استنتاج شما از این کلام الهی خواهد بود. اما بی هدفی و آشفتگی زمانی از بین می رود که از سیر داستان نجات انسان و ظهور نجات دهنده در کل کتاب آگاه باشیم. تا زمانیکه این تصویر زیبا و



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

ادامه از صفحه ۳... شما، مايلم شما، مردم و رهبران ايران بدانيد كه مادر جستجوي چگونه آينده‌اي هستيم. اين آينده‌اي است همراه با مبادلات همراه با مبادلات تجديديده ميان مردم ما، و فرصتهاي بزرگي براي مشاركت و بازرگاني. اين آينده‌اي است كه در آن اختلافات ديرين بر طرف شده‌اند، آينده‌اي كه در آن شما و همسايگانان و جهان در بُعد وسيعتر ميتوانيم همه در صلح و امنيت بهتري زندگي كنيم. من ميدانم كه اين منظور به آساني تحققي پذير نيست. كساني هستند كه اصرار دارند ما را بر اساس اختلافاتي كه داريم معرفي كنند. اما شايسته است كلماتي را كه سالياني پيش بوسيله سعدي نگاشته شده بخاطر آوريم:

بني آدم اعضاي يكدگرند/ كه در آفرينش زيڪ گوه‌رند. فرار سيدن يك فصل نوم، اين انسانيت گرانه‌ها را كه همه ما در آن مشتركيم به ما ياد آوري مي‌كند. يكيار ديگر به اين روح متعالی توسل جست و نويد آغازی دوباره رابجويم. ساسگرام. هر روزتان نوروز، نوروزتان پيروز.



www.SimaMasih.com

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله يگانه خداوند تعالي عالم شريت و نام روح خدا خيبي (كبريه) در هم كويده تعالي قدرتي انساني شرق و غرب و بنام فرمانده و رهبر كل مسلمانان جهان حضور امام خاتمي اي شما نوكران اروا و امريكا و اسرائيل ۱- كنشيز يون ۲- سوسفي ۳- كنشيز احمد شافت و ۴- كنشيز امريكايي و بنر شما مامورين سازمانهاي جاسوسي لازم است به نكات اين اخلاقي كامل توجه داشته باشيد. ما كل فدايهاي شد اسلامي شد در كليسمان. ان وسيلار مكنايه اي ديگر مطمع بوده و ميدانم شما به اتفاق مشن مامورين سازمانهاي جاسوسي در لباس كنشيزهاي اروپايي و امريكايي مشغول قريپ مسلمانان متاسفانه شراري و آواره از ايران و افغانستان و ديگر كشورهاي عربي ميشنيد و دين و اعتقادات آنها را به تير تير خانه و آئينها را به پين سراسر كذب و تبهديد در ميابوريد توجه داشته باشيد شما با اين عمل در عقيل خدا قرار مي‌گيريد و اسلام و دين و مملووت داشته باشيد شما (مجدد) و نظام مقدس جمهوري اسلامي و مملووت داشته باشيد شما با اين خست شما ايرانيان فاسد كه دين اسلامي خودشان را تغيير داده‌اند انسان مسلمان اسلامياد پايونهاي خصوصي و جوقه‌هاي كلان از سازمانهاي جاسوسي اين نما در مديانيد بدانيد در حاليكه اين ايام قدرت دنياي اسلام و پيرومدياري لغاصي و اقتصادي آن بشيم تمام دولتهاي گران كلنت امريكايي و اروپايي را كور كرده و اينهارا با شكنجاي زوك روبرو و بوشيت ادخله شما خاستن به كشور اسلامي به وديت كرده و دست در دستهاي صيطاني اين حكومتهاي جانتكار و غارتگر گذاشته ايد و مامورين مقاصد پليد آنها شده ايد. توجه داشته باشيد از اينجا كه اسلام دين محبت و بخشش و نوبه ميباشد اين فرصت به شما و اهلي خانواده مايتان داده مي شود تا هر چه زودتر به افروش اسلام عزيز تنها دين برحق جهان برگروريد و دست از قريپ مسلمانان برداريد و عملا با ترك اين شغل و دين كاذب مسيحيت و ترك اين واكن خاست خود را از قريپ خود كورده نوم تصحيح مجازات اسلامي بجاوريد و نوبه كنيد سا شما باز ميگناويد و سپس چنانچه از كذب شما و اسلام سرور باز نوبه طيق امر مقدس شرع ماحد و مرتد و محارب با خدا شناخته شده و انگار و توقيف در هر خود را انجام خواهيم داد. قابل توجه است كه شما خود را شنگان بدانيه كه بختكم خدا و قرآن و به پاري اقا امان زمان نبودي تمام اوز و امريكا و اسرائيل و ديگر قيرتهاي صيطاني جهان بدست اسلام رويد خواهيد شد و تنها دين مشن و سرانيد اسلام بر جهان جبري خواهد كرد يادآور مي شود كه تنها كتاب برحق و حقيقت و مقدس در سراسر جهان قرآن مجيد ميباشد كه تا انتهاي عالمه يوي مشرت فرستاده شده و تمامي كتب ديگر شناخته دست حكومتهاي اروپايي و امريكايي بوده و صيطاني است. چشم انتظار بازگشت شما قريب خود كن به افروش اسلام و پيشري نوبه شما خواهيم بود.

والسلام و عليكم و رحمت الله به كراهه

حرب الله / منكر كدام امام زمان

۴۴۴

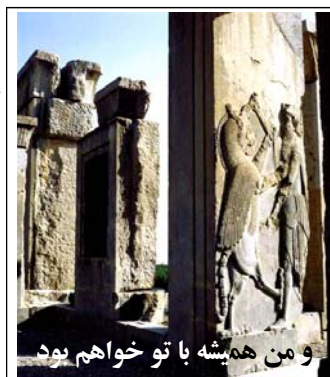
افسوس كه پيش بيني هاي بشر در كار آينده قطعي الوقوع نيست و حتي درباره يكي از آنها هم نمي توان به طور روشن و ثابت، حكم نمود. بسا كه يك عمر آرزو در يك لحظه، نابود گرديده است! مثل چني

آشكار شدن دشمنان مسيح

كنون بچه ها وقت آخر رسيد
گه دشمنان مسيحا رسيد
از آن، خود شنيديد وديد هم
ازين دشمنان در جهان نيست كم
جهان پُر شود زين چنين مُردمان
ازين رو شناسيم آخر زمان
اگر عهدشان استواري نداشت
وگر مهرشان پايداري نداشت
شود آشكارا كه اين مُردمان
نبودند در جرگه رهروان
پديدار گردد همان عهدشان
همان سستي مهر و پيوندشان

شما را چو قُدّوس مَسحي بداد
زدانان اش پر توئي برنهاد
شما آگهان رَو آن شه ايد
كه جز نيكي از وي نيابد پديد
نوشتن من اين نامه راستي
نه چون در شمايست ناراستي
نوشتن چو از راستي آگهيدي
همه پيروان رَو آن شه ايد
چو از راستي برنخيزد دروغ
همه روشني زايد از آن فروغ

بزرگمهر وزيري



و من همیشه با تو خواهیم بود

گلهاي لاله دوباره شكوفه خواهند زد
گلهاي سرخ با تمامی سرخی سربلند خواهند شد
چمنهای سبز ايران زمين سبزتر خواهند شد
ايرهای راستی و عشق دوباره باريدن خواهند گرفت
خورشيد تابان حقيقت را به ما خواهند دميد
نانهاي دانايي و فهم را خواهيم خورد
صبح اميد حكمت طلوع خواهد نمود
و دود سياه جهل از ايران رفتن خواهد نمود
و صدای طبلهای آزادی را خواهيم شنيد
و تمام چشمها شفا خواهند يافت
و زبانهاي بسته آواز خواهند خواند
و دستهای بسته به رقص دعوت خواهند شد
و تو ای عشق من ايران
آزادی خود را خواهیديد
و من همیشه با تو خواهم بود.

حميد زاده

از مايكل آتريكر تراش معروف ايتاليای پريسيدند:
چطور می تواند چنين آثار زیبایی را خلق کند؟ پاسخ داد:
خیلی ساده، وقتی به يك قطعه سنگ مُرَمَر نگاه می كنم،
تندیس را درونش می بینم. تنها كار من اين است كه آنچه
را به اين تندیس تعلق نداده، از آن دور كنم. استاد
می گوید: برای هريك از ما اثری هنری وجود دارد كه
آفریدن آن درس نوشت ماست. اين كانون زندگی ماست
و هر چه سعی كنيم خود را قريپ دهيم، می دانيم برای
خوشبختی ما چقدر مهم است. معمولاً اين اثر هنری
پوشيده از سالها ترس، احساس گناه و بی تصميمی است.
اما اگر تصميم بگيريم چيزهایی را كه به آن تعلق ندارد،
از آن دور كنيم، اگر نسبت به توانايی خود ترديد نداشته
باشيم، می توانيم مأموريتی را كه درس نوشت ماست،
انجام دهيم. اين يگانه راه زندگی با افتخار است.



بخشيدن ديگران تنها واكنش معقولي است
كه در برابر كسانيكه با اهانث و توهين با شما
برخورد می كنند، بايد داشته باشيد. درك
اين آسان است كه جدایی فقط يك خيال
باطل است. بايد اين حقيقت را از ته دل باور
داشته باشيم تا بتوانيم با آن زندگي كنيم.
با گذشت شما عشق می دهيد. هربار كه به
رفتار غير منطقي ديگران واكنش می دهيم،
اجازه می دهيم تنفرمان جای ارزش هايما
را بگيرد. اين باعث می شود رفتاری كه
دوست نداريم را تقويت كنيم و احتمال
ديافت رفتاری بهتر را از طرف آنها در
آينده از خودمان می گيريم. يك روز يك
مرد مقدس عقری رمی بيند كه تلاش می كند
از گودالی پيرون آيد تا جان خود را نجات
دهد. سريعاً به طرف آن می رود و با دست
لخت سعی می كند كه به آن حيوان كمك
كند. آن عقر و وقتی مرد می خواهد او را از
گودال بيرون می آورد، دست او را نيش
می زند. اما مرد با وجود درد عقر را ول
نكرده و زمين نمی اندازد. وقتی از او می
پرسند كه چرا آن عقر را دوباره داخل
آب نينداخته او پاسخ می دهد كه آن عقر
باوجود طبيعت متفاوتش، از او جدا نبوده
است. كاری كه عقر انجام داده برای او
كه عقر است طبيعي بوده پس او چطور
می تواند برخلاف طبيعت خود كه مردی
مقدس است و بايد به همه موجودات عشق
داشته باشد، انجام دهد؟ عقر وجود ما
وقتی همیشه نيشش با نيش جواب داده شود،
چطور می تواند واكنشی متفاوت ياد بگيرد؟
كسی كه فقط تنفر را تجربه كرده باشد
هيچوقت نمی تواند به کسی عشق ببخشد. ما
آن چيزی را به ديگران می دهيم كه درون ما
وجود داشته باشد.



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

توطئه‌ایی برای بازداشت وبلاگ نویس مسیحی



به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان و بنابر گزارش دریافتی، هموطن مسیحی با نام مظاهر - ۳۰ ساله، که در زمینه وبلاگ نویسی مسیحی و بشارت دادن انجیل از طریق اینترنت در حال فعالیت بود. با آغاز دوستی و ارتباط بایکی از کاربران خود از طریق ایمیل که ایشان خود را با نام کشیش رضا (۱) و ساکن اصفهان معرفی کرده است؛ از این وبلاگ نویس جوان مسیحی درخواست میکند تا جهت مشارکت و آشنایی بیشتر و همکاری در رابطه با بشارت مسیحیت در مکانی با هم ملاقاتی داشته باشند. با قبول این ملاقات از سوی مظاهر، در تاریخ ۲۲ فوریه ۲۰۰۹ ایشان به همراه خواهر خود و یکی دیگر از دوستان مسیحی اش بنام حامد - طبق قرار قبلی رأس ساعت تعیین شده در محل ملاقات حاضر میشوند. این اتن در محل قرار با کشیش رضا و خانمی بنام ماریا که رضا وی را بعنوان همسر خود به آنان معرفی کرده، ملاقات می کنند. پس از اندکی گفتگو رضا که خود را با عنوان کشیش معرفی کرده بود از آنان دعوت میکند تا جهت مشارکت بیشتر و انجام مراسم غسل تعمید یک شخص نوایمان که به تازه گی به مسیحیت روی آورده است به کلیسای خانگی آنان در حوالی خیابان اردیبهشت و پل فلزی بروند. پس از طی مسافت به خانه ای میرسد که این کشیش ناشناس از آن به عنوان کلیسای خانگی گروه خود یاد میکند. پس از دقایقی بعد از ورود به خانه آنان ناگهان با هجوم چند لباس شخصی و مأمورین امنیتی مواجه می شوند. سپس مأموران بعد از زدن چشم بند و بستن دستهایشان بوسیله خود روی آنان را به مکان نامعلومی انتقال می دهند. در پی این حادثه در تاریخ (۱۳۸۷ اسفند) به فاصله یکروز از بازداشت آنان مأموران امنیتی با ورود به منزل پدری مظاهر، ضمن تفتیش خانه، لوازمی از قبیل کیس کامپیوتر، چاپگر و تعدادی سی دی و چندین کتب مسیحی را ضبط کرده و با خود می برند. به گفته منابع آگاه، خواهر مظاهر از بازداشت شدگان این توطئه، توسط مأمورین مورد بازجوییهای طولانی و توهینهای بسیار قرار میگردد، که در نهایت با اعتراف به اینکه وی فقط برادرش را در این ملاقات همراهی میکرده و هیچگونه نقشی در فعالیتهای برادرش ندارد پس از یک هفته آزاد میشود. با گذشت یکماه از بازداشت این وبلاگ نویس مسیحی و علیرغم تلاشها و پیگیریهای خانواده تاکنون، مأمورین امنیتی و مقامات مربوطه حاضر به پاسخگویی در خصوص بازداشت ایشان نبوده اند و از توضیح در این خصوص نیز خودداری کرده اند. همچنین خانواده های این بازداشت شدگان جهت کسب اطلاعات بیشتر به مکان دستگیری، خانه ای که بعنوان کلیسای خانگی از آن نام برده شده بود مراجعه میکنند در تحقیق و پرسش از همسایگان، درمی یابند که این خانه مذهبات که تخلیه می باشد و کسی در آنجا سکونت ندارد. و همچنین شخصی بنام کشیش رضا اصلاً ماهیت خارجی ندارد. به گزارش کمیته مسیحیان در مجموعه فعالان حقوق بشر، بر طبق خبرهای منتشره در چند روز گذشته منی بر برخورد و انهدام برخی از سایتیهای دینی و ضد اخلاقی که از سوی سپاه پاسداران صورت گرفته و منجر به بازداشت گروهی از هموطنان شده است، پیش بینی میگردد این سناریوی از پیش بازسازی شده نمی تواند بی ارتباط با اقدامات اخیر سپاه در برخورد با سایتیهای اینترنتی و بازداشت و دستگیری این وبلاگ نویس مسیحی باشد. حکومت مذهبی اخیر افشار را بر روی کسانیکه از طریق اینترنت به پخش خبر، اطلاعات و تبلیغات دینی دست میزنند گسترش داده است.

اطلاعیه هیأت مدیره انجمن آشوریان در خصوص کلیسای شهر آرا



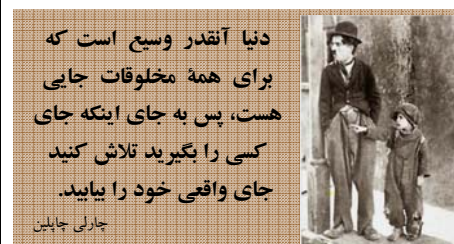
به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان در پی انتشار خبرهایی در خصوص تعطیلی کلیسای آشوریان شهر آرا در تهران که در روزهای پایانی سال ۱۳۸۷ از سوی یونانز بنیت کلیه نماینده آشوریهای ایران در مجلس اعلام شد؛ به نقل از سایت آشوریان برائشیت بر همین اساس اطلاعیه ای از سوی هیأت مدیره انجمن آشوریان تهران و نمایندگان تشکلهای و انجمنهای آشوری صادر گردید. مضمون آن بدین شرح است. "بنام خدا" هموطنان گرامی آشوری در پی عدم انطباق ساختار اداری و تشکیلاتی رهبران کلیسای پنتیکاستی برادران آشوری با موازین و عرف جامعه آشوری ایران و قوانین و نظامات کشوری و یادآوری و تذکره به رهبران کلیسای یاد شده در طول سالیان گذشته، برای جلوگیری از بروز مشکلات در جامعه آشوری و همچنین درخواست مستمر در رفع مشکل توسط روحانیون کلیساهای آشوری و کلدانی، نماینده آشوریان در مجلس شورای اسلامی و انجمن آشوریهای تهران، متأسفانه مسئولین کلیسای یاد شده هیچگونه همکاری در رفع مشکل نمودند. بنابراین با صلاح دید و پیشنهاد جامعه آشوری اعم از نمایندگان تشکلهای و انجمنهای جامعه آشوری، نهادهای و شخصیتها و آشوری در مجلس مقرر گردید هیأتی بر گزیده از نمایندگان کلیساهای آشوری و کلدانی، نمایندگان تشکلهای و انجمنهای آشوری و همچنین نماینده آشوریان در مجلس شورای اسلامی و انجمن آشوریهای تهران بعنوان هیأت امنای موقت ناظر بر فعالیت این کلیسا تشکیل شود. هیأت امنای یاد شده به طور موقت مسئولیت اداره ساختار تشکیلاتی، اداری و مدیریت اجرایی این کلیسای آشوری را به عهده خواهد داشت تا رهبران کلیسای یاد شده مراحل اداری ثبت و دریافت مجوز فعالیت انجمن این کلیسا را طبق قانون همدان با تمامی انجمنهای اقلیتهای رسمی دینی کشور بگذرانند. امید است که همکاری جامعه آشوری و تمامی نهادهای و انجمنهای دینی و اجتماعی و فرهنگی آشوری، ما را در این راه یاری دهند. متعاقباً اعضای هیأت امنای معرفی خواهند شد.

**هیأت مدیره انجمن آشوریان تهران
نمایندگان تشکلهای و انجمنهای آشوری
نهادهای و معتمدین جامعه آشوری**

یونانز بت کلیا نماینده آشوریان در مجلس شورای اسلامی

به گزارش fcnn، کلیسای پنتیکاستی آشوری معروف به شهر آرا بیش از هشت سال است که به جهت خدمت به مسیحیان فارسی زبان در روزهای جمعه و یکشنبه در ساعاتی جداگانه جلسات عبادتی و پرستشی ویژه فارسی زبانان برگزار می کند که مدتی است بدلیل فشارها از سوی مقامات، از ورود مسیحیان فارسی زبان به این کلیسا ممانعت بعمل آمده است. در حال حاضر بر طبق مستندات از عمده ترین دلایل صدور چنین اطلاعیه ایی را می توان به حضور مسیحیان فارسی زبان در مشارکت و مراسم های عبادتی آن کلیسا اشاره کرد و اعمال فشار از سوی برخی مقامات و اختلاف نظرهایی که در بین رهبران کلیسا و نمایندگان جامعه آشوری وجود دارد دانست.

شایان ذکر است حکومت مذهبی جمهوری اسلامی، مسیحیان فارسی زبان را به رسمیت نمی شناسد و در لایحه قانون جدید مجازات اسلامی که در سال گذشته کلیات آن توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است از آنان بعنوان "مرتد" و حکم اعدام برای آنان اعلام شده است.



**دنیا آنقدر وسیع است که
برای همه مخلوقات جایی
هست، پس به جای اینکه جای
کسی را بگیرد تلاش کنید
جای واقعی خود را بیابید.**

چارلی چاپلین

تداوم بازداشت دو مسیحی در زندان اوین

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از گزارش دریافتی، دو تن از مسیحیان فارسی زبان بنامهای، خانمها مرضیه امیری زاده ۳۰ ساله و مریم رستم پور ۲۷ ساله، که در تاریخ ۱۵ اسفند ماه ۱۳۸۷ ۵ مارچ ۲۰۰۹ توسط مأمورین امنیتی بازداشت شدند با گذشت نزدیک به یک ماه در وضعیتی دشوار همچنان در زندان اوین بسر می برند. تعدادی از افراد لباس



شخصی به همراه تنی چند از مأموران امنیتی در تاریخ فوق با هجوم به آپارتمان مشترک محل اقامت این هموطنان مسیحی، ضمن بازداشت آنان، اتاقهایشان را مورد بازرسی و تفتیش قرار داده و سپس تعدادی از متعلقات شخص آنان را ضبط نموده و با خود بردند. این گزارش حاکی است، مأموران با جهت انجام پاره ایی از تحقیقات آنان را به ستاد امنیتی شماره ۱۳۷ گیشا واقع در غرب تهران برده و سپس به بازداشتگاه وزراء شعبه ۲ دادگاه انقلاب بخش امنیت ملی انتقال دادند، که در آنجا این نوکیشان مسیحی بدفعات مورد بازجوییهای طولانی و زیر فشارهای شدید روحی قرار داشتند. در این راستا خانواده و بستگان این بازداشت شدگان با مراجعه به مقامات مربوطه جهت کسب اطلاع از دلایل و علل دستگیری نامبردگان؛ مسئولین ذیربط اتهام این شهروندان مسیحی را اقدام علیه امنیت ملی عنوان کرده اند. همچنین در پاسخ به زمان برگزاری دادگاه، مسئولین در پی بهانه جویی ها، علت تأخیر در برگزاری دادگاه را عدم دسترسی به قاضی در این ایام نوروز عنوان کرده اند. شایان ذکر است خانمها مرضیه امیری زاده و مریم رستم پور در تاریخ ۱۸ مارچ ۲۰۰۹ از سوی شعبه ۲ دادگاه انقلاب به زندان مخوف اوین انتقال داده شدند. بنابر این گزارش، بازداشت شدگان مسیحی هم اکنون بنا به دلایلی نامعلوم از حق ملاقات محروم گردیده اند و روزانه اجازه دارند فقط به مدت یک دقیقه در طول روز با یکی از بستگان درجه اول خود تماس داشته باشند. بر این اساس خانم مرضیه امیری زاده طی تماس تلفنی با خانواده خود در مورخه ۲۸ مارچ ۲۰۰۹ ضمن وخیم توصیف کردن وضعیت جسمی و روحی خود اعلام داشت که بر اثر عفونت دچار تب شدیدی شده و نیاز مبرم به دکتر دارد و در آخرین جمله اش گفته بود من در اینجا در حال مرگ هستم. بر طبق گزارشها هر دو زندانی در حال حاضر به لحاظ روحی و فشارهای شدید در شرایط بسیار بدی قرار دارند. پیگیریها و مراجعات مکرر خانواده به مراکز امنیتی و قضایی جهت آزادی این زندانیان مسیحی برای حضور در جمع خانواده در ایام نوروز تاکنون بی ثمر بوده و مقامات برای آزادی موقت آنان درخواست مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان وثیقه را داشته اند! کمیته مسیحیان در مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، ضمن ابراز نگرانی خود در مورد سلامتی روحی و جسمی این بازداشت شدگان، اجازه درمان به این زندانی را جزوه حقوق انسانی و ارزیابی می نماید و از مسئولان مربوطه رعایت حرمت انسانی و تضمین حق حیات این زندانیان عقیدتی را انتظار دارد. همچنین اتهام گوش آشنای "اقدام علیه امنیت ملی" و یا هرنوع اتهام سیاسی در رابطه با این نوکیشان مسیحی خلاف حقیقت بوده و آنان تنها بجرم اعتقادات و پیروی از تعلیم دینی و مسیحی در بازداشت بسر می برند. در گزارش کمیته مسیحیان در مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در خصوص این دوزندانی مسیحی آمده؛ عموماً دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی در اینگونه موارد در برخورد با نوکیشان مسیحی و بازداشت شدگان عقیدتی و مذهبی آنان را مورد فشارها و آزارهای روحی و جسمی قرار میدهند و یا هفته ها و ماهها آنان را در سلولهای انفرادی که به مثابه نوعی از شکنجه برای گرفتن اعتراف است نگه میدارند.

جامعه ایرانیان مسیحی اعم از کشیشان، رهبران، اعضاء و ایمانداران کلیسای فارسی زبان نگرانی عمیق خود را از تداوم بازداشت این افراد در زندان اعلام میدارد و درخواست خود را از مسئولین مربوطه علاوه بر شفاف سازی در خصوص دلایل بازداشت این دو هموطن مسیحی، و اتخاذ تمهیداتی برای آزادی هر چه سریعتر این افراد اعلام میدارد.

سال چهارم شماره ۴۲ آوریل ۲۰۰۹

۱۱



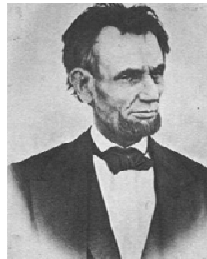
P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA



بدون شرح...

اگر میتوانستید شگفتیهای دلتان را در برابر معجزه‌های هر روزه زندگی ماندگار سازید، دردهای خویش را از شادیهای تان کمتر شگفت‌انگیز نمی‌یافتید، و اگر فصلهای دلتان را پذیرا شوید بدانگونه که فصلهای کشتزارهای تان را پذیرا هستید، آنگاه زمستانهای اندوه خویش را با خوش دلی به نظاره می‌نشینید. جبران خلیل جبران

سال ۱۸۶۵: آخرین عکس آبراهام لینکلن



شک و تردیدهایی در مورد اینکه کدام عکس، واقعاً آخرین عکس گرفته شده از لینکلن است، وجود دارد. با این همه، تصور می‌رود که این آخرین عکس گرفته شده از وی باشد. این عکس توسط عکاسی به نام هنری ورن گرفته شده است. یکماه بعد از گرفته شدن این عکس، لینکلن برای دیدن نمایشی به تئاتر فوردر رفت. در این زمان یک هنرپیشه شناخته شده به نام جان ویکس بوس که جاسوس کنفدراسیون جنوب بود، پشت سر رئیس‌جمهور رفت و منظر ماند، نمایش وارد قسمت خنده‌دارش شود، به این امید که صدای بلند خنده تماشاگران، مانع از شنیده شدن صدای شلیک گلوله شود. وقتی صدای خنده بلند شد، "بوس" از اسلحه کالیبر ۴۴ خود، به سر لینکلن شلیک کرد.



داگوئل

واژه گریس که نام قهرمان فیلم است، علاوه بر لطافت و شکوه و زیبایی به معنای بخشش و عفو الهی است که طبق آموزه‌های مسیحیت شامل حال همه، حتی آنهایی که سزاوار نیستند، می‌شود. مسیحیت پنج فاکتوری را که هر کدام به تنهایی موجب بخشش و عفو می‌شود بیان می‌کند؛ هر کدام از این "سولوها" که در واژه به معنای به تنهایی است، به تنهایی بخشش و عفو را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، نخستین آنها "بخشش توسط عفو الهی است" یا که در تفسیر مسیحیت به آن اشاره شده است. اکثریت مسیحیان پا از این فراتر گذاشته و به "از پیش بخشودگی" معتقدند. این که مسیح با تحمل رنجی بی‌پایان و به جای همه بخاطر بشریت مجازات شده و هر که به او ایمان آورد، مجازاتی گریبانگیرش نخواهد شد. در انجیل همچنین از کسانی یاد می‌شود که به سبب گذشت و رحمت و عفو نسبت به دیگران بخشیده می‌شوند. فون تریر علاوه بر چالش کشیدن مسئله عفو و سلب مسئولیت از خطای با شیوه خویش اشاره به مضمون این نوشته در انجیل دارد که میگوید: رحمت و عفو توسط شهرپذیرفته نشد و این پذیرفتن منجر به لعنت و نابودی شهر شد. فرم خاص داگوئل با نگاه محاط از بالا به خانه‌هایی که به سبب نداشتن در و دیوار هرگز نمی‌تواند رازی را مخفی کند و آگاهی دائمی از آنچه درخفا میگذرد و همچنین فرم روایت داستان توسط روایتگری که همه ماجرا را میداند و دانای کل است به این نگاه خداگونه اشاره دارد. در واقع فون تریر دیوارها را قراردادهای بسیار ابتدایی در حد مرزبندی‌های گچی میداند که هرگز قادر به پنهان کردن رازها و اتفاقات نیستند؛ چشمان خدا همه چیز را مینماید، گریسی که در معدن پنهان شده، تمام قد آشکار است و حتی صحنه شیع تجاوز چاک به گریس، در معرض دید کل قرار دارد و با گریس که در وانت بار در کنار سیپها پنهان شده از واری پوشش بار نیز کاملاً مشهود است و به قول متن فیلم: "سیب کاملاً رسیده‌ای است" که شبان به خوردنش اغوا میکند، همچنانکه آدم و حوا را اغوا کرد. در تمام متن فیلم، به نخوت و تکبر بارها و بارها هم باواژه مستقیم (Arrogance) و هم بصورت مضمون

در عهد جدید نیز کلمه جهنم معمولاً از کلمه یونانی معادل "عالم اموات" می‌آید و این کلمه نیز میتواند "قبر" ترجمه شود. تعداد زیادی از آیات طوری نوشته شده‌اند که می‌توانید بگویید جهنم یا مرگ یا قبر. و پی می‌برید که این کلمه با آن آیه‌ها جور در می‌آید. به بیانی دیگر میتوانیم پی ببریم که جهنم در ارتباط با قبر می‌باشد، قبر در ارتباط با مرگ است. وقتی کلمه مرگ یا مردن یا مرده را بررسی میکنید. پی می‌برید که این کلمه بیش از ۱۳۰۰ مرتبه در کتاب مقدس یافت میشود. این کلمه کلمه‌ای بسیار رایج است که خدا بارها از آن استفاده میکند.



از شما دعوت میکنیم تا از وب سایت ما دیدن فرمائید:

www.SimaMasih.com
www.TabdilMagazine.blogfa.com



تره‌فرنگی از جمله سبزیجات فصول سرد سال است که در انواع و اقسام غذاها مورد استفاده قرار میگیرد. مواد لازم برای ۶ نفر:

- گوشت خورشتی: یک پوند
- تره‌فرنگی: ۶ عدد متوسط
- جعفری: یک پوند
- پیاز: یک عدد بزرگ
- روغن مایع: یک پیمانه
- آبغوره: یک پیمانه
- رب گوجه‌فرنگی: یک قاشق سوپ‌خوری
- نمک و فلفل: به مقدار کافی
- زردچوبه: نصف قاشق چای‌خوری

طرز تهیه:

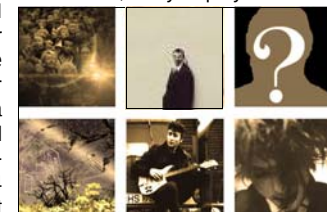
گوشت‌های تکه شده را شسته و داخل سبزی بریزید تا آب اضافی آن خارج شود. از طرف دیگر، پیازها را نیز بصورت ختالی خرد کنید. قابلمه‌ای آماده کنید و مقداری روغن در آن بریزید و روی شعله اجاق گاز قرار دهید تا روغن داغ شود. پس از آن، پیاز ختالی شده را در روغن بریزید تا طلایی رنگ شود، سپس زرد چوبه را اضافه کرده و همراه با پیاز حرارت دهید. پس از آنکه تکه‌های گوشت را نیز در پیاز داغ و زردچوبه تفت دادید، حدود ۲ یا ۳ لیوان آب به مخلوط گوشت و پیاز سرخ شده اضافه کنید و در ظرف را بگذارید تا گوشت بپزد. در این فاصله زمانی، جعفری را پاک کرده و پس از شستن بصورت ریز خرد کنید، سپس در یک تابه مقداری روغن ریخته و پس از داغ شدن روغن، جعفری خرد شده را در آن تفت دهید. پس از آن، تره‌فرنگی‌ها را شسته و ساقه‌ها را از برگها جدا کنید. سپس ساقه سفید رنگ تره‌فرنگی‌ها را به قطعات ۳ سانتیمتری حلقه حلقه کنید. حالا تره‌فرنگی خرد شده را به جعفری تفت داده شده اضافه کرده و چند دقیقه حرارت دهید. پس از آن، مخلوط جعفری و تره‌فرنگی را به گوشت پخته اضافه کنید. از طرف دیگر رب را در کاسه فلزی کوچکی با مقداری روغن، کمی تفت داده و سپس به این مخلوط اضافه کنید.

با تفت دادن رب در روغن، هم طعم خامی آن گرفته میشود و هم رنگ رب در غذا بیشتر خواهد شد. پس از اینکه رب را به غذا اضافه کردید، زیر شعله اجاق گاز را کم کنید و بگذارید خورش آهسته جوشیده و جا بیفتد. البته در اواخر پخت خورش، آبغوره را نیز اضافه کنید و خورش را در ظرف مورد نظر کشیده و همراه برنج سرو کنید.

حمایت مالی شما را از ماهنامه تبدیل پذیرا ایم.

THE CHANGE

of his spirit radiated the sincerity of his mission. I drove him back to the town-square where we'd met two hours earlier, and as we drove, it started raining. We parked and unloaded his things. 'Would you sign my autograph book?' he asked. 'I like to keep messages from folks I meet.' I wrote in his little book that his commitment to his calling had touched my life. I encouraged him to stay strong. And I left him with a verse of scripture from Jeremiah, 'I know the plans I have for you, declared the Lord, 'plans to prosper you and not to harm you; Plans to give you a future and a hope.' 'Thanks, man,' he said.. 'I know we just met and we're really just strangers, but I love you.' 'I know,' I said, 'I love you, too.' 'The Lord is good!' 'Yes, He is. How long has it been since someone hugged you?' I asked.. 'A long time,' he replied. And so on the busy street corner in the drizzling rain, my new friend and I embraced, and I felt deep inside that I had been changed. He put his things on his back, smiled his winning smile and said, See you in the New Jerusalem.' 'I'll be there!' was my reply.. He began his journey again. He headed away with his sign dangling from his bedroll and pack of Bibles. He stopped, turned and said, 'When you see something that makes you think of me, will you pray for me?'



'You bet,' I shouted back, 'God bless.' 'God bless.' And that was the last I saw of him. Late that evening as I left my office, the wind blew strong. The cold front had settled hard upon the town. I bundled up and hurried to my car. As I sat back and reached for the emergency brake, I saw them... a pair of well-worn brown work gloves neatly laid over the length of the handle. I picked them up and thought of my friend and wondered if his hands would stay warm that night without them. Then I remembered his words: 'If you see something that makes you think of me, will you pray for me?' Today his gloves lie on my desk in my office. They help me to see the world and its people in a new way, and they help me remember those two hours with my unique friend and to pray for his ministry. 'See you in the New Jerusalem,' he said.. Yes, Daniel, I know I will...

TO MEET SUCH A MAN

I sat, with two friends, in the picture window of a quaint restaurant just off the corner of the town-square. The food and the company were both especially good that day. As we talked, my attention was drawn outside, across the street. There, walking into town, was a man who appeared to be carrying all his worldly goods on his back. He was carrying, a well-worn sign that read, 'I will work for food.' My heart sank. I brought him to the attention of my friends and noticed that others around us had stopped eating to focus on him. Heads moved in a mixture of sadness and disbelief. We continued with our meal, but his image lingered in my mind. We finished our meal and went our separate ways.. I had errands to do and quickly set out to accomplish them. I glanced toward the town square, looking somewhat halfheartedly for the strange visitor. I was fearful, knowing that seeing him again would call some response. I drove through town and saw nothing of him I made some purchases at a store and got back in my car. Deep within me, the Spirit of God kept speaking to me: 'Don't go back to the office until you've at least driven once more around the square.', I saw him. He was standing on the steps of the store front church, going through his sack. I stopped and looked; feeling both compelled to speak to him, yet wanting to drive on. The Then with some hesitancy, I headed back into town. As I turned the square's third corner empty parking space on the corner seemed to be a sign from God: an invitation to park. I pulled in, got out and approached the town's newest visitor. 'Looking for the pastor?' I asked. Not really,' he replied, 'just resting.' 'Have you eaten today?' 'Oh, I ate something early this morning.' 'Would you like to have lunch with me?' 'Do you have some work I could do for you?' 'No work,' I replied. 'I commute here to work from the city, but I would like to take

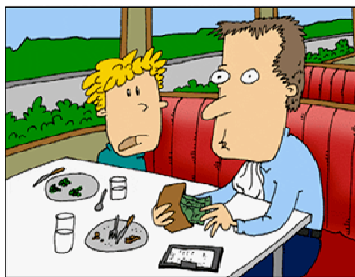
you to lunch.' 'Sure,' he replied with a smile. As he began to gather his things, I asked some surface questions. Where you headed?' St. Louis 'Where you from?' 'Oh, all over; mostly Florida' 'How long you been walking?' 'Fourteen years,' came the reply. I knew I had met someone unusual. We sat across from each other in the same restaurant I had left earlier His face was weathered slightly beyond his 38 years. His eyes were dark yet clear, and he spoke with an eloquence and articulation that was startling. He removed his jacket to reveal a bright red T-shirt that said, 'Jesus is The Never Ending Story.' Then Daniel's story began to unfold. He had seen rough times early in life. He'd made some wrong choices and reaped the consequences. Fourteen years earlier, while backpacking across the country, he had stopped on the beach in Daytona. He tried to hire on with some men who were putting up a large tent and some equipment. A concert, he thought. He was hired, but the tent would not house a concert but revival services, and in those services he saw life more clearly. He gave his life over to God 'Nothing's been the same since,' he said, 'I felt the Lord telling me to keep walking, and so I did, some 14 years now.' 'Ever think of stopping?' I asked. 'Oh, once in a

while, when it seems to get the best of me But God has given me this calling. I give out Bibles.. That's what's in my sack. I work to buy food and Bibles, and I give them out when His Spirit leads.' I sat amazed. My homeless friend was not homeless. He was on a mission and lived this way by choice. The question burned inside for a moment and then I asked: 'What's it like?' 'What?' 'To walk into a town carrying all your things on your back and to show your sign?' 'Oh, it was humiliating at first. People would stare and make comments. Once someone tossed a piece of half-eaten bread and made a gesture that certainly didn't make me feel welcome. But then it became humbling to realize that God was using me to touch lives and change people's concepts of other folks like me.' My concept was changing, too.. We finished our dessert and gathered his things. Just outside the door, he paused. He turned to me and said, 'Come Ye blessed of my Father and inherit the kingdom I've prepared for you. For when I was hungry you gave me food, when I was thirsty you gave me drink, a stranger and you took me in.' I felt as if we were on holy ground.. 'Could you use another Bible?' I asked. He said he preferred a certain translation. It traveled well and was not too heavy. It was also his personal favorite. 'I've read through it 14 times,' he said. 'I'm not sure we've got one of those, but let's stop by our church and see..'. I was able to find my new friend a Bible that would do well, and he seemed very grateful. 'Where are you headed from here?' I asked.. 'Well, I found this little map on the back of this 'amusement park coupon' 'Are you hoping to hire on there for awhile?' No, I just figure I should go there. I figure someone under that star right there needs a Bible, so that's where I'm going next.' He smiled, and the warmth of

Hallgrmmskirkja Iceland's Most Amazing Church



The Hallgrmmskirkja (literally, the church of Hallgrmmur) is a Lutheran parish church located in Reykjavmk, Iceland. At 74.5 meters (244 ft), it is the fourth tallest architectural structure in Iceland. The church is named after the Icelandic poet and clergyman Hallgrmmur Pitursson (1614 to 1674), author of the Passion Hymns. State Architect Guþjón Samzelsson's design of the church was commissioned in 1937; it took 38 years to build it.



HOW COME THE WAITRESS GETS 15% AND GOD ONLY GETS 10%?

The Change Magazine

Tabdil@iranforchrist.com

www.Tabdilmagazine.blogfa.com

www.SimaMasih.com

TEL: 818. 522. 1525

P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA